

روابط دوجانبه ایران و مصر

فرصت‌ها، چالش‌ها و چشم‌انداز آینده

ابراهیم یوسف‌نژاد*

یکی از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین موضوعات در حوزه سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی روابط ایران و مصر بوده است. با توجه به وجود تعارضات سیاسی در سطح کلان، گفتمان غالب بین دو کشور ایران و مصر به دلیل قرابت نگرش دینی و سابقه استقلال‌خواهی سیاسی از بیگانگان و نیز تلاش در راستای ایفای نقش مؤثر در ساخت تمدن بشری، براساس تفاهم و همکاری استوار بوده است. ایجاد شوک ناشی از انعقاد پیمان کمپ دیوید به‌عنوان علت اصلی و جدایی سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی دو کشور بر اثر شکل‌گیری گفتمان مستقل و جدیدی پس از انقلاب اسلامی در سیاست خارجی ایران و نیز پیوندهای نزدیک مصر با آمریکا به‌عنوان علل فرعی موجبات تکدر خاطر طرفین را فراهم ساخته است. همچنین مخالفت ایران با سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه و جهان، حمایت ایران از گروه‌های اسلام‌گرا، همکاری نزدیک قاهره با واشنگتن و تل‌آویو همواره محل مناقشه دو کشور بوده است. پس از گذشت بیش از دو دهه از قطع روابط دیپلماتیک، بروز تحولات مهم جهانی و منطقه‌ای مانند فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اشغال کویت از سوی عراق، وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، حمله آمریکا به افغانستان و اشغال عراق به‌وسیله ایالات متحده، فضای جدیدی را بر روی طرفین گشود و توجه تهران و قاهره را به این امر معطوف کرده که فارغ از برخی اختلافات فی‌مابین، زمینه‌های همکاری قابل توجهی نیز در مورد مسائل سیاسی - امنیتی منطقه و همچنین معضلات مربوط به جهان اسلام وجود دارد که همفکری و هم‌اندیشی آن‌ها را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. بنابراین گمان می‌کنیم عزم طرفین برای گشودن گفتگوی مستمر دیپلماتیک - که برای دو کشور اهمیت دارد - و نیز تحقق روابط سیاسی در سطح متعارف در آینده، دور از دسترس نباشد.

کلیدواژه‌ها: ایران، مصر، روابط دوجانبه

* پژوهشگر دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

E-mail: yousefnejad@research.majlis.ir

مقدمه

ایران و مصر در دو نقطه مهم ژئوپلیتیکی جهان قرار دارند و از گذشته‌های دور به‌لحاظ این موقعیت و تمدن و فرهنگ دارای قدمت، در جهان اهمیت بسزایی دارند و با وجود برخی اختلاف‌ها، در زمینه مسائل اقتصادی، امنیت منطقه‌ای، مسائل سیاسی خاورمیانه و جهان اسلام منافع مشترکی نیز داشته‌اند. جریان سریع تحولات سیاسی در خاورمیانه، لزوم همکاری‌های مشترک دو کشور را اجتناب‌ناپذیر ساخته است، اما دستیابی به چنین وضعیتی، در اوضاع کنونی مستلزم توجه بیش‌تر به زمینه‌های همکاری، کالبد شکافی ساختار قدرت دو کشور و کیفیت تعامل آن‌ها با بازیگران اصلی سیستم بین‌المللی است.

در بررسی ماهیت سیاست خارجی دولت‌ها، باید متغیرهای متعددی را در شکل‌گیری و تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آن‌ها در نظر گرفت. این متغیرها با دگرگون شدن اوضاع و مقتضیات داخلی و بین‌المللی تغییر پذیرفته و طبقه‌بندی جدیدی از اهداف، منافع ملی و استراتژی‌ها را موجب می‌شوند. پس در هر برهه‌ای باید عوامل و معیارهای مختلفی را برای تشریح رفتار دولت‌ها در نظر گرفت و به تفکیک، یک عامل را به‌عنوان متغیر محوری و سایر متغیرها را به‌عنوان عناصر فرعی تجزیه و تحلیل کرد.

روابط دو کشور از گذشته تاکنون، با تغییر مؤلفه‌های عمده، اغلب دستخوش تحولات و نوساناتی بوده است. فقط در برخی از مقاطع به‌دلیل دیدگاه‌های یکسان حاکمان وقت نسبت به مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، نزدیکی و همسویی دو کشور به یکی از قطب‌های قدرت جهانی و برداشت یکسان و هماهنگ نخبگان سیاسی تهران و قاهره از ماهیت نظام بین‌الملل، مناسبات مستحکم و پایداری را به‌دنبال داشته است. برای مثال در دوره محمدرضا پهلوی پس از شکست «جمال عبدالناصر» در سال ۱۹۶۷، از آن به بعد زمینه‌های ترمیم روابط دو کشور آغاز و در دوره زمامداری «انورسادات» اوج شکوفایی روابط سیاسی دو کشور بود. سقوط محمدرضا شاه و استقرار جمهوری اسلامی و نوع تحلیل متفاوت رهبران سیاسی دو کشور از ماهیت سیستم بین‌المللی و نیروهای هژمون جهانی و همچنین مخالفت‌های احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ داخل دو کشور باعث تیرگی روابط بین این دو دولت شد و ارتقای سطح مناسبات سیاسی فی‌مابین را پیچیده و نیازمند شرایط و بسترهای خاصی کرد.

رسیدن به درک مشترک برای استقرار روابط فعال دوجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند چارچوب و زمینه مناسبی برای حرکت به‌سمت تجدید روابط سیاسی باشد. برای همکاری، طرفین باید جو اطمینان و اعتماد متقابل را به‌وجود آورند و از تناقض در گفتار و

عملکرد اجتناب کنند.

این پژوهش پاسخی به این پرسش‌ها است که چه متغیرهایی روابط دو کشور را بحرانی، تیره و سرد کرده است؟ آیا با دگرگونی اوضاع و احوال و رفع موانع اصلی، تغییر اساسی در روابط سیاسی به‌وقوع خواهد پیوست؟ دو کشور هم‌اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که بهبود روابط می‌تواند در خدمت منافع ملی طرفین قرار گیرد؛ اما آیا این انگیزه برای گسترش، تعمیق و پایداری مناسبات فی‌مابین کافی خواهد بود؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها از مدل تحلیل خرد و سیستمی بهره گرفته شده است. در این مدل تأثیرات متقابل نهادها، افراد و نیز ساختار نظام بین‌الملل در جریان تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی مطالعه می‌شود. اگر چه تصمیم‌گیرندگان نقش اساسی را در فرایند تصمیم‌گیری ایفا می‌کنند؛ اما نباید تصور کرد که هدف‌ها و منافع ملی بدون مقدمه و به‌صورت سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های خاص به اجرا درمی‌آیند. در بسیاری از موارد، این تصمیم‌ها محصول تجربه‌های تاریخی، اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیک و کارکرد نظام بین‌المللی است. بنابراین باید مهم‌ترین این عوامل را بررسی تا درک سیاست خارجی آسان‌تر شود.^۱ فرضیه اصلی این پژوهش آن است که مجموعه‌ای از متغیرها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سه سطح خرد، میانی و کلان باعث تیرگی و در نهایت قطع رابطه میان دولت‌های ایران و مصر گردید که مهم‌ترین و اصلی‌ترین آن‌ها شناسایی رسمی رژیم اشغالگر قدس از طریق توافقنامه‌های کمپ‌دیوید و حضور و اقامت شاه پس از فرار از ایران در مصر بوده است. با توجه به مرتفع شدن موانع اصلی و کم‌رنگ شدن سایر موانع کم‌اهمیت، امکان برقراری ارتباط سیاسی میان دو دولت اسلامی میسر شده است.

در این نوشتار تلاش شده مؤلفه‌های اصلی و فرعی تأثیرگذار، به‌ویژه عوامل واگرا، بر سر راه روابط سیاسی دو کشور بررسی و تبیین شوند. در این عرصه، تحولات بین‌المللی، منطقه‌ای و نحوه بهره‌گیری از فرصت‌های موجود با هدف نزدیکی دیدگاه‌های نخبگان سیاسی و همگرایی دو کشور در سر لوحه این مطالعات قرار دارد.

I. قوام‌ابوالعلی، «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»، تهران: سمت، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵.

۱. موقعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مصر

الف. ژئوپلیتیک

کشور مصر از نظر موقعیت طبیعی در منتهی‌الیه شمال شرقی قاره آفریقا، در منطقه خاورمیانه واقع شده است. این کشور از شمال به دریای مدیترانه، از شمال شرق به فلسطین اشغالی، از شرق به دریای سرخ و کانال سوئز، از جنوب به سودان و از غرب به لیبی منتهی می‌شود. نزدیکی با دریای سرخ و مدیترانه و برخورداری از ۲۸۹۶ کیلومتر مرز ساحلی، کنترل صحرای سینا، تنها پل ارتباطی زمینی میان آفریقا و آسیا و همچنین کنترل کانال سوئز - که با اتصال دریای سرخ به دریای مدیترانه در واقع ارتباط دریایی نزدیک‌تر و سریع‌تر شرق و غرب جهان را میسر ساخته است - به این کشور موقعیت ساحلی استراتژیکی بخشیده است.^۱

ب. تاریخ سیاسی مصر از استقلال تاکنون

مصر از سال ۱۵۱۷ میلادی جزء قلمرو عثمانی بود. در سال ۱۸۸۱ میلادی به اشغال انگلیسی‌ها درآمد و تا سال ۱۸۹۲ جزء مستعمرات بریتانیا محسوب می‌شد. در سال ۱۹۲۴، مصر به استقلال رسید و در سال ۱۹۳۶، بین مصر و انگلیس پیمانی منعقد شد که براساس آن مصر از اشغال انگلیس آزاد شد؛ ولی کانال سوئز همچنان در دست انگلیسی‌ها باقی ماند. جنگ ۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل و شکست اعراب از اسرائیل، بدبینی مردم به «ملک فاروق» و فساد موجود در این کشور، اوضاع داخلی را متزلزل کرد. در جولای سال ۱۹۵۲، گروهی موسوم به «افسران آزاد» کودتایی صورت دادند که به انقلاب جولای مشهور شد. این کودتا نظام پادشاهی را در مصر سرنگون و نظام جمهوری را برقرار کرد. ابتدا ژنرال «محمد نجیب» به ریاست کشور انتخاب شد. اما پس از دو سال از این واقعه، در سال ۱۹۵۴، «جمال عبدالناصر» یکی از افسران ارشد این کودتا به ریاست جمهوری برگزیده شد. ناصر در ماجرای ملی کردن کانال سوئز در سال ۱۹۵۶، در برابر انگلستان و فرانسه و اسرائیل ایستاد. آ وحدت عربی، تقابل با استعمار،

۱. مختار حسینی، «برآورد استراتژیک مصر»، دو جلد، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، جلد اول، ۱۳۸۱، ص ۱۹.

۲. جمیله کدیور، «مصر از زاویه‌های دیگر»، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳، صص ۲۴-۲۰.

حمایت از حرکت‌های آزادی‌بخش، تز عدم تعهد و پایه‌ریزی جنبش غیرمتعهدها از جمله سیاست‌هایی بود که به‌وسیله جمال عبدالناصر اتخاذ شد.

در سال ۱۹۵۸ سه کشور مصر، سوریه و یمن با عنوان جمهوری متحده عربی با یکدیگر متحد شدند؛ ولی این اتحاد بر اثر بروز اختلافاتی در سال ۱۹۶۱ از هم گسیخت.^۱ از اقدامات دیگر ناصر اجرای قانون اصلاحات ارضی و نیز ساختن سد آسوان بود. از زمان کودتای افسران آزاد در سال ۱۹۵۲ تاکنون، نظامیان در تعیین خط‌مشی‌های داخلی و خارجی مصر نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در واقع شالوده دولت‌سازی در مصر با ارتش‌سازی در این کشور عجین شده است. سادات که از ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۱ قدرت را در دست داشت؛ تلاش کرد تا نقش ارتش را در امور اجتماعی و سیاسی کاهش دهد. این امر اگر چه توانست موقعیت او را بهبود بخشد؛ اما سیاست‌گرایی به غرب به‌ویژه امضای قرارداد «کمپ دیوید» با اسرائیل - که منجر به اخراج این کشور از اتحادیه عرب شد - مشروعیت و نظام سیاسی او را در میان توده مردم مصر و دولت‌های منطقه زیر سؤال برد.^۲ سادات در دوران حاکمیت خود به سه اقدام سیاسی مرتبط با هم دست زد، که عبارتند از:^۳

۱. ناصردایی از جامعه مصر،

۲. اتکا بر سیاست اقتصادی درهای باز به‌منظور جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و

کمک اقتصادی امریکا برای ایجاد بخش خصوصی وسیع در این کشور،

۳. نزدیکی به امریکا و تضعیف پیوندهای سیاسی - نظامی و اقتصادی با شوروی.

کمپ دیوید و برقراری رابطه با اسرائیل در سال ۱۹۸۰، با مخالفت گروه‌های رادیکال اسلامی مواجه شد و در اکتبر ۱۹۸۱ در رژه نظامی، سادات به‌وسیله «خالد اسلامبولی» کشته شد. «حسنی مبارک» جانشین وی کوشید تا تقویت نقش ارتش را برای توسعه اقتصادی و تضمین ثبات داخلی مورد توجه قرار دهد. وی توانست با توجه به تشتت آرای کشورهای عرب در جریان جنگ عراق علیه ایران و جنگ عراق و کویت، پیامدهای قرارداد کمپ دیوید را با اتخاذ سیاست‌هایی بی‌اثر و به نفع خود مصادره کند و به تدریج مصر را که بعد از قرارداد مزبور

I. علی‌رضا ازغندی، «ارتش و سیاست»، تهران: قومس، ۱۳۷۴، ص ۱۰۴.

1. برای مطالعه رجوع شود به: رضا سیمبر، «معاهده کمپ دیوید و پیامدهای ناشی از آن در خاورمیانه»،

پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق، ۱۳۶۸.

2. مختار حسینی، همان، ص ۴۲.

از سوی کشورهای عرب طرد شده بود، به جمع کشورهای عرب بازگرداند.^۱

ج. ساختار حکومتی مصر

نظام سیاسی مصر از سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه تشکیل شده است. مطابق ماده (۱۵۷) قانون اساسی مصر، رئیس جمهور ناظر بر اعمال کابینه و وزارتخانه‌ها است. قانون اساسی، اختیارات گسترده‌ای به رئیس جمهوری داده است. قوه مقننه از دو مجلس سفلی و علیا تشکیل شده است. اعضای مجلس سفلی که اصلی‌ترین نهاد قانونگذاری مصر تلقی می‌شود به صورت مستقیم از طرف مردم (۴۵۴ نفر) و تعداد ده نفر از این تعداد نیز به وسیله شخص رئیس جمهور منصوب می‌شوند. مجلس علیا نیز به صورت انتخابی و انتصابی (۲/۳) توسط رئیس جمهور) برگزیده می‌شوند.^۲

قوه قضائیه قدرت خود را از طریق چهار نوع دادگاه قضائی اعمال می‌کند. نظارت بر امور همه سازمان‌های قضائی از سوی شورایی به نام شورای عالی انجام می‌شود که شخص رئیس جمهور ریاست آن را برعهده دارد. در میان قوای سه‌گانه، قوه مجریه در رأس هرم سیاسی این کشور قرار دارد.^۳ بررسی عملکرد رژیم جمهوری از سال ۱۹۵۲ تاکنون نشان می‌دهد که اصول دموکراتیک مندرج در قانون اساسی به صورت گوناگون تحت‌الشعاع اقتدارگرایی بوده است. زمانی که عبدالناصر (از رهبران کودتای ۱۹۵۲) قدرت را به دست گرفت؛ در پرتو استقرار رژیمی اقتدارگرا و تک حزبی (سوسیالیست عربی)، پارلمان، مطبوعات و قوه قضائیه‌ای مطیع خود را ایجاد کرد. مواردی همچون شخصیت کاریزماتیک، اقدامات و موضع‌گیری‌های شدید پوپولیستی و ناسیونالیستی ناصر از عواملی بودند که به‌ویژه مشروعیت می‌بخشیدند. سادات نیز خصیصه اقتدارگرایی را با اندکی تغییر و تعدیل حفظ کرد.

اقدامات سادات از لحاظ داخلی، پایگاه اجتماعی دولت را از ائتلاف پوپولیستی ناصر، به طبقات زمین‌دار و بازاری سوق داد و از لحاظ خارجی، نگاه امنیتی دولت را متوجه اتحاد با آمریکا کرد. پس از سادات، «مبارک» تا حدی آزادی‌های سیاسی را گسترش داد؛ اما خطوط

I. جمیله کدیور، همان، ص ۲۶.

1. در حال حاضر تعداد اعضای مجلس علیا ۲۶۶ نفر می‌باشد.

2. قانون اساسی جمهوری عربی مصر، ترجمه پروین جلالی پور، تهران: ریاست جمهوری، دفتر توافق‌های بین‌المللی، ۱۳۸۱.

کلی سیاست‌های سادات را حفظ کرد. مبارک سعی کرد که نسبت به احزاب و گروه‌های سیاسی اپوزیسیون تساهل بیش‌تری به خرج دهد و آن‌ها را در بیان نظرات و انتقاداتشان نسبت به حکومت آزاد بگذارد. به‌گونه‌ای که حتی گروه غیرقانونی «اخوان المسلمین» نیز توانست در انتخابات پارلمانی شرکت کند و موفقیت‌های قابل قبولی به‌دست آورد.

وضعیت حقوق بشر در مصر که معیاری برای سنجش حاکمیت قانون و آزادی عقیده و بیان است؛ نسبت به دوره ناصر و سادات بهبود یافته است. این اقدامات و خصایص، به رژیم سیاسی مصر از لحاظ توسعه سیاسی در جهان عرب وضعیت بهتری بخشیده است. اگرچه براساس شاخص‌ها و معیارهای بین‌المللی، هنوز فاصله زیادی با رژیم‌های دموکراتیک دارد؛ زیرا در زیر پوسته نازک و شکننده دموکراسی و فضای باز سیاسی آن، همچنان هسته نیرومند اقتدارگرایی نهفته است. به‌طوری که هرگاه رژیم موقعیت خود را در خطر ببیند از نشان دادن چهره اقتدارگرایی نهفته است. به‌طوری که هرگاه رژیم موقعیت خود را در خطر ببیند از نشان دادن چهره اقتدارگرایی خود هراسی ندارد.^۱ طبق قانون اساسی، رئیس‌جمهوری از اختیارات گسترده‌ای برخوردار است.^۲ این اختیارات باعث شده است که رئیس‌جمهور به‌صورت قدرت مطلق در این کشور اعمال حاکمیت کند به‌طوری که اعضای کابینه و نمایندگان مجلس و سایر مسئولان عالی‌رتبه جایگاه و موقعیت خود را مدیون او می‌دانند.^۳ در آخرین انتخابات ریاست جمهوری در مصر که پس از اصلاح ماده ۷۶ قانون اساسی صورت گرفت ۲۳ درصد از واجدین شرایط (حدود ۳۲ میلیون نفر) شرکت کردند که «مبارک» ۷/۳۰۵/۰۰۰ رأی از هشت میلیون رأی متخذه (۸۸/۵٪) را به‌خود اختصاص داد و برای پنجمین بار در مسند ریاست جمهوری قرار گرفت.

د. نقش احزاب در تحولات سیاسی مصر

در قانون اساسی مصر از نظام چندحزبی و حق شهروندان برای ایجاد انجمن‌ها و تشکل‌های سیاسی حمایت شده است.^۴ اولین مرحله تشکیل احزاب مصر در فاصله زمانی سال ۱۹۲۲ تا سال ۱۹۵۳ صورت گرفت. با توجه به تسلط انگلیس بر اوضاع سیاسی مصر در آن دوره و نقشی که این امر در ظهور احزاب داشت؛ مردم نسبت به تفکر حزبی مشکوک بودند.

I. همان، ص ۱۲۷.

1. قانون اساسی جمهوری عربی مصر، پیشین، اصول ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۹ و ۱۵۳.

2. مختار حسینی، همان، ص ۱۶۹.

3. قانون اساسی جمهوری عربی مصر، پیشین، اصول ۵۵ و ۵۶.

حکومت ناصر و شورای انقلاب او نیز از دیگر عوامل مؤثر در پایان دادن به دوران مبارزات حزبی در مصر بود. از این تاریخ تا اواسط حکومت سادات تحرک قابل توجهی از سوی احزاب مشاهده نمی‌شد. سادات در ابتدا به شدت با اندیشه آزادی احزاب مخالف بود. او در بیانیه اکتبر سال ۱۹۷۴، به بیان اصول سیاست خود پرداخت و مخالفت قاطع خود را با از بین رفتن وحدت ملی که تجلی آن را در تشکیل احزاب می‌دانست اعلام کرد. اما دو سال بعد سادات تصمیم خود را مبنی بر بازگشایی فضای سیاسی، اعلام کرد و به عناصر سیاسی که دارای مواضع مختلف و مخالف بودند اجازه ظهور مجدد در صحنه را داد، ولی همزمان با این اقدام، مقرراتی وضع کرد که در واقع این فعالیت‌ها را به صورت بازی سیاسی درآورد و شخصاً خود آن‌ها را هدایت می‌کرد.

در حال حاضر می‌توان به حزب ناصری، حزب تجمع، حزب وفد، حزب دموکراتیک ملی، حزب سوسیالیست کار، حزب دموکراتیک مردمی و حزب مصر الفتا به‌عنوان احزاب و گروه‌های سیاسی اصلی در مصر اشاره کرد. البته این موضوع را نباید از نظر دور داشت که در رقابت‌های سیاسی معمولاً حزب حاکم و احزاب وابسته به دولت از شانس بیش‌تری در کسب حداکثر سهم قدرت برخوردار هستند. به طوری که فرایند دموکراسی در مصر نشان داده است احزاب سیاسی از عوامل تغییر دموکراتیک نیستند و شهروندان مشارکت فعال و آگاهانه‌ای ندارند.^۱ گروه‌های اسلامی هم که از طیف واحدی نیستند، به جناح‌های زیر تقسیم می‌شوند:^۲

الف. جناح اسلام‌گرایان دولتی که مؤید دولت و مخالف گروه‌های اسلامی تندرو هستند و نماینده آن «الازهر» است.

I. «تحول بنیادگرایی اسلامی مصر، جایگزینی منطق ترور با منطق کلمه»، ترجمه محمد عسگری، خرداد، به نقل از الوطن العربی، ۱۳۷۷.

1. «حسنین هیکل» روزنامه‌نگار مصری در مورد جنبش اسلامی در مصر معتقد است جنبشی که بتوانیم به این عنوان نامگذاری کنیم در مصر وجود ندارد. می‌توانیم بگوییم پدیده اعتراض به نام دین وجود دارد و می‌توان گفت که پوششی از اسلام وجود دارد که تحت لوای آن علیه اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی ظالمانه مبارزه می‌شود. حقیقت این است که در مصر جنبش دینی وجود ندارد، بلکه یک جنبش، مقاومت وطن‌پرستانه اجتماعی و اقتصادی وجود دارد و مبارزه می‌کند تا ملجأ خود را در دین پیدا کند ولی این جنبش، تفکر روشن و مشخصی ندارد و همچنین رهبر معروفی که مردم آن را بشناسند ندارد (به نقل از جمیله کدیور، همان، ص ۲۳۱).

ب. جناح اسلام‌گرایان میانه‌رو که نماینده آن «اخوان المسلمین» است.
ج. جناح اسلام‌گرایان انقلابی که چهره بارز آن گروه‌هایی همچون «جهاد اسلامی» و «جماعت مسلمین» است.

امروزه رهبران گروه‌های رادیکال اسلامی این موضوع را طرح می‌کنند که آیا دعوت به سوی اسلام باید با سلاح باشد، یا با حکمت و موعظه؟ گروه‌های اسلامی که از ابتدای قرن بیستم در مصر ظهور یافته و فعالیت خود را گسترش داده و توانسته بودند عده‌ای از مردم را با خود همراه کنند؛ در سال‌های اخیر متقاعد شده‌اند که درگیری‌های خشونت‌بار، هزینه‌های زیادی را بر مردم و جامعه تحمیل نموده و عملاً شکاف میان آن‌ها و توده مردم را موجب شده است. امروزه این گروه‌ها به این باور رسیده‌اند که مردم از به‌کارگیری خشونت برای اصلاح جامعه خسته شده و به رویکرد تغییر جامعه از طریق سیاسی و اجتماعی روی آورده‌اند. اقدامات مسلحانه این گروه‌ها در داخل مصر موجب شده تا وجهه آن‌ها در داخل و خارج (به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر) از بین برود. به‌علاوه این که هدف قرار دادن گردشگران در داخل این کشور، باعث خشم مردم علیه آنان شده است.^۱ به هر حال این عوامل، گروه‌های بنیادگرای اسلامی مصر را به تجدیدنظر در استراتژی خود وادار کرده است.^۲ اگر تا دیروز این گروه‌ها برای تغییر اوضاع و احوال جامعه بر قدرت اسلحه تأکید داشتند؛ امروزه به‌دنبال آن هستند که همچون احزاب رسمی فعالیت خود را در چارچوب قوانین تعریف کنند.^۳

ه. حقوق و آزادی‌های مدنی شهروندان مصری

فرایند آزادی‌های سیاسی جامعه مصر که از سال ۱۹۸۳ با شروع انتخابات مجلس آغاز شده بود؛ در سال ۱۹۹۰ به دلیل مداخله گسترده دولت در فرایند انتخاب نمایندگان پارلمان با

I. در مصر گروه‌هایی وجود دارند که تحت تأثیر برخی از اندیشه‌ها و نظریات از جمله «ابن تیمیه» هستند و به نتایج مشخصی به لحاظ اندیشه در نهایت به تکفیر دولت و حتی تکفیر جامعه رسیده‌اند. بنابراین قتل را مباح می‌شمارند.

1. البته اگر تا دیروز گروه‌های بنیادگرای اسلامی توانسته بودند از طریق عملیات مسلحانه جایی در میان مردم برای خود پیدا کنند، بخشی از این موفقیت حاصل این بود که توانسته بودند اهداف و منویات خود را در قالب نارضایتی‌های اجتماعی نشان داده و نگاه مردم را به سوی خود معطوف کنند.

2. برای مطالعه تکمیلی رجوع شود به:

Saadeddin Ibrahim, *Egypt Islam and Democracy Egypt*, The American University in Cairo Press, 2002.

موانع جدی مواجه شد.^۱ این مسأله باعث شد تا بسیاری از نیروها و احزاب سیاسی مخالف، این انتخابات را تحریم کنند. دستگیری گسترده مخالفان دولت و به‌ویژه بنیادگرایان اسلامی در آستانه انتخابات سال ۱۹۹۵ این فرایند را تکمیل کرد. در این انتخابات، مبارک رئیس‌جمهور مصر همانند انتخابات قبلی به‌دستکاری آرای مردم متهم شد. اعمال دخالت و نفوذ دولت در محدود ساختن آزادی‌های سیاسی و اجتماعی باعث شد تا برخی از گروه‌ها و احزاب سیاسی در یک برنامه مشترک برای باز کردن فضای سیاسی در دهم سپتامبر ۱۹۹۷ در قاهره در اجلاسی به‌نام «کنفرانس دفاع از دموکراسی، آزادی‌ها و حقوق بشر» گردهم آیند و برنامه سیاسی مشترکی برای اصلاحات و گسترش دموکراسی تدوین کنند.^۲ پس از چهار دهه اجرای سیاست حذفی، حزب حاکم دموکراتیک ملی به‌صورت مداوم اکثریت مجلس را در دست دارد. چرخه نخبگان جامعه به لحاظ اقتدار کامل رئیس‌جمهور به گروه خاصی محدود شده که هیچ تحولی را برخلاف رأی خود برنمی‌تابد و صاحبان قدرت در سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی نیز دست‌نشانده دولت هستند. به‌موجب اصل (۴۸) قانون اساسی آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی باید تضمین شود. وظیفه مطبوعات انعکاس و تفسیر افکار عمومی و اطلاع‌رسانی و جهت‌دهی به افکار عمومی در چارچوب عناصر و اجزای جامعه، دفاع از آزادی‌های مدنی و احترام به حرمت زندگی خصوصی افراد جامعه است. اصول (۴۱) و (۴۶) قانون اساسی آزادی‌های فردی را حق طبیعی شهروندان تعریف کرده که مصون از تعدی است. همچنین حکومت باید آزادی عقیده و آزادی اعمال مذهبی شهروندان را تضمین کند. به‌موجب اصل (۴۷) قانون اساسی باید آزادی ابراز عقاید برای شهروندان تضمین شود.^۳ به هر تقدیر، با توجه به تلاش نیروهای مختلف اجتماعی، وضعیت مخالفان و منتقدین در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۰ میلادی بهتر شد^۴ و برای اولین بار ۱۷ نماینده اسلام‌گرای مخالف به پارلمان راه پیدا کردند.^۵ در انتخابات سال ۲۰۰۵ میلادی نیز گروه

1. "Political and Economic Developments in Egypt", www.cfr.org

۱. برای مطالعه مراجعه شود به: رسول افضلی، «موانع مشترک شکل‌گیری جامعه مدنی در خاورمیانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۲. قانون اساسی جمهوری عربی مصر، همان، صص ۲۴-۲۲.

۳. در انتخابات سال ۲۰۰۰ میلادی در دو مرحله از انتخابات پارلمانی تنها ۱۵ تا ۴۰ درصد مردم به پای صندوق‌های رأی رفتند.

۴. «برنامه مشترک احزاب سیاسی مخالف»، ترجمه حمید احمدی، «مطالعات خاورمیانه»، سال پنجم، شماره ۴،

اخوان المسلمین مجموعاً در سه مرحله ۸۷ کرسی را به خود اختصاص داد. بدین وسیله با ارتقای سطح کمی کرسی‌های آن، وزن سیاسی این گروه نیز در پارلمان در مقابل حزب حاکم دموکراتیک ملی افزایش پیدا خواهد کرد.

و. اقتصاد مصر

تا پیش از روی کار آمدن «حسنی مبارک» در سال ۱۹۸۱، اغلب مردم مصر به فعالیت‌های کشاورزی، خدماتی و صنعتی اشتغال داشتند؛ اما در دوره ریاست جمهوری وی، به واسطه ثبات نسبی سیاسی، جهانگردی و سرمایه‌گذاری خارجی رونق بیش‌تری گرفت.^۱ بخش گردشگری مصر از منابع عمده درآمد این کشور محسوب می‌شود^۲ که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق و نیز برخورد برخی گروه‌های مصری با توریست‌ها، این منبع درآمد به خطر افتاده و شاغلین این بخش را بیکار کرده است. همچنین نیروی کار فراوان مصر در کشورهای عرب خلیج فارس، سالانه میلیون‌ها دلار ارز را به این کشور سرازیر می‌کند؛ اما تحولات چند سال اخیر در جهان و منطقه خلیج فارس و اوضاع داخلی این کشورها، این وضعیت را نیز با تهدید و بحران مواجه ساخته است. دولت مبارک که اجرای اصلاحات اقتصادی را آغاز کرده با توجه به فساد اداری و مقاومت شدید دیوانسالاری در مسیر خصوصی‌سازی با موانع جدی روبه‌رو شده است.^۳ درآمد سرانه مصر در سال ۱۹۹۹ حدود سه هزار دلار بوده که نسبت به سال قبل از آن پنج درصد رشد داشته است. البته این میزان رشد کم‌تر از سال‌های آغازین دهه ۹۰ است. مهم‌ترین دلیل آن حمله بنیادگرایان اسلامی در هفدهم نوامبر ۱۹۹۷ به یک گروه از گردشگران خارجی در شهر توریستی «الاقصر» بود. پیش از این حمله، انتظار داشتیم اقتصاد مصر در

I. دولت مصر گام‌هایی برای آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری برداشته است اما به لحاظ تجربه تاریخی که از زمان کودتای ناصر در سال ۱۹۵۲ شروع شد و اقتصاد دولتی با گرایش سوسیالیستی ادامه پیدا کرد و در عمل باعث فرار سرمایه‌ها از داخل و عدم حضور سرمایه‌گذاران خارجی در این کشور شد. این پیشینه باعث عقب‌ماندگی این کشور از این پروسه شد. همچنین اوضاع سیاسی داخلی و خارجی در این فرایند تأثیر زیادی داشته است.

1. مصر برای توسعه اقتصادی - اجتماعی خود تاکنون دو پروتکل همکاری برای دو دوره زمانی معین با اتحادیه اروپا منعقد کرده است که شامل نوسازی صنعت و بهداشت، ارتقای آموزش‌های علمی در دانشگاه‌ها، دریافت کمک‌های مالی برای توسعه اجتماعی و غیره است.

2. مختار حسینی، همان، ص ۸۱.

سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ به ترتیب ۵/۴ و ۵/۵ درصد رشد داشته باشد، اما چنین نشد و رشد اقتصادی مصر در سال‌های مزبور به ۴ درصد کاهش یافت. در اواسط سال ۱۹۹۹ به علت افزایش بهای نسبی نفت و رونق گرفتن دوباره صنعت توریسم، اقتصاد مصر تا اندازه‌ای وضعیت بهتری پیدا کرد. اما پس از اشغال عراق توسط آمریکا، اقتصاد ملی مصر متأثر از این رخداد منطقه‌ای شد و رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۰۴ به ۴/۸ درصد رسید. پیش‌بینی می‌شود در سال جاری نیز این درصد رشد تکرار شود. مصر با تنظیم برنامه‌های بیست ساله قرار است که GDP^۱ خود را به ۷/۶ درصد برساند.^۲ دولت مصر بخشی از بودجه خود را از طریق کمک‌های مالی بلاعوض آمریکا و دریافت وام‌های بین‌المللی تأمین می‌کند. قاهره از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ به میزان ۶/۵ میلیارد دلار تسلیحات خریداری کرده است که بخشی از منابع مالی آن از طریق کمک‌های بلاعوض بوده است. بدین ترتیب مصر اولین خریدار اسلحه در خاورمیانه و سومین خریدار اسلحه در بین کشورهای در حال توسعه است.^۳ این کشور علاوه بر کمک‌های ایالات متحده، به پروتکل‌های همکاری با اروپا توجه دارد و امیدوار است از این راه بتواند به نوسازی صنایع و افزایش قدرت رقابت تولیدات مصری با تولیدات سایر کشورها بپردازد.^۴ صادرات عمده مصر به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۱ میلادی شامل نفت و مشتقات آن (۳۸ درصد)، پارچه (۱۷ درصد)، تولیدات کشاورزی (۹ درصد) و غیره بود. شرکای عمده تجاری مصر؛ آلمان، ایتالیا، فرانسه و انگلیس هستند که بیش از ۷۰ درصد تجارت مصر را با اتحادیه اروپا تشکیل می‌دهد. مصر دارای منابع نفت و گاز است. در حال حاضر کل ذخایر نفتی آن ۳/۸ میلیارد بشکه است. در سال ۱۹۹۸ کل منابع گازی به ثبت رسیده در مصر برابر ۲۷/۶ تریلیون فوت مکعب بود. تولید گاز مصر در سال ۲۰۰۱ بالغ بر ۱۱/۵۲۳ هزار تن بوده است.^۵ مهم‌ترین منطقه گازی صحرای غربی، حوزه گازی «عبید» نام دارد.^۶ در حال حاضر

1. Gross Domestic Product

۱. رشد اقتصادی مصر در سال ۲۰۰۲ میلادی ۳/۱ درصد بوده است. به نقل از: «چشم‌اندازهای اقتصادی نوظهور»، اقتصاد ایران، سال پنجم، شماره ۵۴، ۱۳۸۲، ص ۸۷.

۲. خبرگزاری مهر، ۱۳۸۴/۶/۱۷

۳. بهرام امیراحمدی، «چشم‌انداز ژئوپلیتیک شمال آفریقا»، مطالعات آفریقا، سال اول، شماره ۳، ۱۳۷۴، ص ۲۲۴.

۴. «سالنامه آماری کشور»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰، ص ۸۲۹.

6. www.Eia.Doe.Gov/emeu/cabs/egypt.html.

جایگاه نفت و گاز در اقتصاد مصر قابل توجه نیست، اما در آینده به دلیل توسعه میادین نفت و گاز احتمال افزایش تولید و صدور گاز وجود دارد. آسیب پذیرترین منابع این کشور، منابع طبیعی آبی هستند زیرا عمده ترین منبع تأمین کننده آب و به عبارت دیگر شریان حیاتی مصر، رودخانه نیل است. در صورت ایجاد مشکل در دریافت آب نیل، زندگی ۹۵ درصد مردم این کشور تحت تأثیر جدی قرار خواهد گرفت و بسیاری از طرح های مربوط به فضا سازی در مناطق بیابانی بدون استفاده خواهد ماند و همچنین در صورتی که کشورهای بالادستی رود نیل (اتیوپی و سودان) با بحران کمبود آب مواجه شوند و برای تأمین آب مورد نیاز خود اقدام به احداث سد و کانال های انحرافی نمایند؛ در این صورت مصر که در حوزه پایین دستی نیل قرار دارد با مسائل و مشکلات متعدد و حتی جبران ناپذیری روبه رو خواهد شد.^۱ کانال سوئز مهم ترین منبع درآمد ملی مصر به شمار می رود و عوارض تردد از این کانال حدود ۵۳ درصد، از تراز پرداخت ها را در بر می گیرد. در حالی که درآمد ملی مصر در سال ۲۰۰۱ با توجه به متوقف شدن تقریبی عملیات دریانوردی در این کانال به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و جنگ امریکا با افغانستان و عراق تحت تأثیر قرار گرفته است. در چند سال اخیر وقوع تحولات در منطقه خلیج فارس و به تبع آن کاهش درآمد ارزی و بدهی کشورهای این حوزه، باعث خروج نیروی کار مصر از کشورهای عرب و کاهش قابل توجه درآمد ارزی برای قاهره شده است.^۲ اوضاع فلسطین و تحولات سیاسی و نظامی منطقه خلیج فارس از عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد بوده است. چنانچه براساس آمار صندوق بین المللی پول نرخ تورم در مصر در سال ۲۰۰۵ میلادی به ۹/۶ درصد و نرخ بیکاری به ۱۰/۴ درصد رسیده است. کل بدهی های خارجی این کشور نیز به ۲۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ رسیده است.^۳

I. برای مطالعه تکمیلی رجوع شود به:

- علی رنجبران، «نقش آب در کشمکش های سیاسی خاورمیانه»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۶.

- "Water Conflict in the Nile River", www.Iumes.lu.se

- "Environmental Conflict: Will River Nile Spark off Water war in Africa?", www.Vamos.Fi/briefings/Environmental

- "Nile Basin Countries Begin to Pool Resources", www.Aldi-lida.gl.la

۱. سازمان آمار مصر در سال ۱۹۹۵ میزان مهاجرین برای اشتغال در کشورهای خارجی به ویژه کشورهای عرب خلیج فارس را ۲/۵ میلیون نفر برآورد کرده است.

۲. علیرضا سلطانی، «اصلاحات اقتصادی در مصر»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۵، ۱۳۸۴

۲. مناسبات ایران و مصر

الف. روابط دو کشور قبل از اسلام و دوران اسلامی

برخی از نویسندگان ارتباط ایرانیان را با مردم سواحل شرق آفریقا از سال ۵۵۰ قبل از میلاد دانسته‌اند یعنی زمانی که نظام شاهی به‌وسیله کوروش در ایران بنیان نهاده شد.^۱ پس از اسلام، ایرانیان با قبول آن، نقش مهمی در رهبری معنوی و فکری ملل اسلامی ایفا کردند. از آن‌جا که ایران و مصر مهد تمدن بشری در دوران قبل از اسلام بودند؛ پس از تشریف به اسلام این دو کشور به دو جناح شرقی و غربی تمدن اسلامی تبدیل شدند. در طول تاریخ اسلام متفکران دو کشور به‌عنوان نماینده دو جریان فکری موازی در اسلام، توانستند با همکاری و ارتباط با یکدیگر در بسط و گسترش تمدن اسلامی سهیم باشند. اوج روابط فرهنگی دو کشور در دوران حکومت «فاطمیون» در مصر بود. فاطمیون که پیرو مذهب اسماعیلیه بودند؛ ریشه ایرانی داشتند. خلفای فاطمی با تأسیس «الازهر» به اشاعه و ترویج تشیع اسماعیلی پرداختند. فاطمیون با دیگر مذاهب اسلامی و حتی دانشمندان مسیحی با احترام رفتار می‌کردند به‌گونه‌ای که الازهر مرکز مباحثه دانشمندان از فرق و ادیان مختلف شد. ایرانیان که در تأسیس فرقه اسماعیلی و سلسله فاطمی در مصر نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند به حمایت از فاطمیون و تبلیغ و اشاعه مذهب اسماعیلی همت گماردند.^۲

ب. روابط دو کشور در دوره قاجار

در نوامبر سال ۱۸۶۹ هنگامی که کانال سوئز حفر شد؛ دولت فرانسه که در آن زمان بر مصر مسلط بود از دولت ایران دعوت کرد تا در مراسم افتتاح کانال شرکت کند. ناصرالدین شاه نیز هیأتی را به مصر اعزام کرد. سفر سید جمال‌الدین اسدآبادی به مصر در سال ۱۸۷۹ و اقامت موقت وی در قاهره به روابط فرهنگی دو کشور کمک کرد. اسدآبادی پیروان زیادی در مصر پیدا کرد که مهم‌ترین آن‌ها «محمد عبده» بود. وی با کمک «عبده»، جمعیت «عرو الوثقی» را

I. حسین موسوی خراسانی، «تمدن و فرهنگ ایرانیان در شرق آفریقا»، مطالعات آفریقا، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۷۵، ص ۱۴۳.

1. جلال دهقانی و حسین هاشمی، «اهمیت روابط فرهنگی ایران و مصر در عصر گفتگوی تمدن‌ها»، مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۷۹، صص ۲۱-۱۷.

در قاهره تأسیس کرد و بر ضد سلطه بریتانیا در مصر گام‌هایی برداشت.^۱ دو کشور به دلیل تهدید عثمانی در طول قرن ۱۹، همیشه نیاز به نزدیکی روابط را احساس می‌کردند. مصری‌ها که از دوران ظهور «محمدعلی پاشا» در صدد به‌دست آوردن استقلال از عثمانی بودند؛ ایران را تنها کشور قدرتمند قابل اتکا در برابر عثمانی قلمداد می‌کردند و برخی از ایرانیان مخالف استبداد قاجار نیز در آستانه انقلاب مشروطه و بعد از آن، قاهره را به‌عنوان مقرر فعالیت‌های فکری و سیاسی خود انتخاب کردند. در این دوران هر دو کشور سرگرم مبارزه با سلطه خارجی به‌ویژه امپراتوری بریتانیا بودند و همین امر باعث بروز نوعی همدردی میان نخبگان سیاسی به‌ویژه نیروهای اجتماعی مبارز دو کشور شد. در حالی که آزادیخواهان ایران در سال ۱۹۱۹ سرگرم مبارزه شدید علیه قرارداد وثوق‌الدوله و انگلیس بودند، مصری‌ها مبارزه گسترده‌تری را برای به‌دست آوردن استقلال از انگلیس - که در سال ۱۸۸۱ به تحت‌الحمایگی بریتانیا مبدل شده بود - به راه انداخته بودند.^۲

ج. روابط دو کشور در دوره اول و دوم پهلوی

در اواخر دهه سی میلادی قرن بیستم، ازدواج فوزیه خواهر «ملک فاروق» با محمدرضا پهلوی و همچنین مساعدت شاه در زمینه گسترش روابط مصر و آلمان، به استحکام روابط تهران و قاهره کمک کرد. در همین زمان مصر برای الحاق به پیمان سعدآباد که در ژوئن سال ۱۹۳۷ میان ایران، ترکیه، عراق و افغانستان منعقد شده بود؛ ابراز تمایل کرد. اما فشار دولت انگلیس، مصری‌ها را از این عمل منصرف کرد.^۳ سقوط آلمان نازی و متارکه خواهر ملک فاروق از محمدرضا پهلوی در سال ۱۹۴۸ نه تنها آغاز جدایی دو خاندان حاکم بود بلکه شروع گسست مناسبات دو دولت نیز بود.^۴ در دهه پنجاه میلادی مبارزه دو ملت برای رهایی از سلطه بریتانیا، دولت‌های ایران و مصر را به یکدیگر نزدیک کرد. با روی کار آمدن «عبدالنصر» در کودتای ژوئیه سال ۱۹۵۲، روابط او با دولت مصدق تقویت شد، اما سقوط دولت مصدق در کودتای

I. همان.

۱. حمید احمدی، «نظام بین‌المللی معاصر و فراز و نشیب‌های روابط ایران و مصر»، مطالعات آفریقا، سال پنجم،

شماره ۲، ۱۳۷۹، ص ۴۵.

۲. همان، صص ۴۸-۴۶.

۳. حسن نافعه، «نگاهی به تحولات و چشم‌انداز روابط مصر و ایران»، ترجمه رودباری، مطالعات آفریقا، سال

اول، شماره ۳، ۱۳۷۴، ص ۳۳۹.

مرداد سال ۱۳۳۲ فاصله دو کشور را زیاد کرد. این وضعیت باعث نزدیکی محمدرضا پهلوی به بلوک غرب و مصر به بلوک شرق شد.^۱ این جهت‌گیری‌ها باعث تیرگی روابط دو کشور شد و در سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۰ متغیرهای متعددی از جمله عضویت ایران در پیمان بغداد در سال ۱۹۵۵، دکترین آیزنهاور در سال ۱۹۵۷، روابط ایران و اسرائیل و موارد دیگر، زمینه را برای گسترش تیرگی روابط فراهم ساخت و در نهایت روابط دو کشور در سال ۱۹۶۰ قطع شد. محمدرضا پهلوی در این دوران به یکی از مخالفان اصلی ناصر و ناسیونالیسم عربی مبدل شد. او همیشه از مخالفان ناصر حمایت می‌کرد. خصومت‌های ایران و مصر به تدریج به مقابله ناسیونالیسم عربی با ناسیونالیسم ایرانی تبدیل شد. برخی اقدامات ضد ایرانی ناصر و سایر ناسیونالیست‌های پان عرب در حمایت مالی و سیاسی از مخالفان شاه، شامل تغییر اسم خلیج فارس به خلیج عرب و نامگذاری خوزستان به عربستان از سوی کنفرانس حقوقدانان عرب در سال ۱۹۶۴ بود. شاه نیز در مقابل، ناصر و ناصریسم را به مداخله در ایران متهم کرد و هر نوع حرکت داخلی را به مداخلات مذکور ارتباط می‌داد. جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ نقطه چرخشی در روابط ایران و مصر بود. این جنگ موقعیت ناصر را در منطقه به مخاطره انداخت و به دنبال حمایت ایران از اعراب در سال ۱۹۶۷، فرصت مناسبی ایجاد شد تا روابط دیپلماتیک دو کشور در سال ۱۹۷۰ مجدداً از سر گرفته شود. یک ماه پس از این تفاهم، ناصر فوت کرد و روابط دو کشور وارد فاز جدیدی شد. قدرت گرفتن «انور سادات» چشم‌انداز روشنی را نوید داد. سادات پس از ایجاد تحول در سیاست خارجی، هم‌پیمانی با آمریکا را جایگزین شوروی کرد. در روابط ایران و مصر نیز به سبب این تحولات، نزدیکی کاملی به وجود آمد تا آنجا که هر دو کشور به عضویت باشگاه «سافاری» درآمدند.^۲ در آن دوره یکی از اهداف سیاست خارجی ایران از طرح بهبود روابط با مصر، خنثی‌سازی مخالفت اعراب با ایران بود. به این منظور ایران به تدریج از مواضع مصر و اعراب در برابر اسرائیل حمایت کرد و خواستار عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی کرانه باختری و نوار غزه در جنگ سال ۱۹۶۷ شد و از سال ۱۹۷۲ دو

I. برای مطالعه رجوع شود به: ارسلان قربانی، «روابط مصر و شوروی از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۱»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق، ۱۳۶۸.

1. هدف باشگاه مزبور تأمین هزینه‌های دخالت سریع در آفریقا بود؛ زیرا در آن زمان کنگره آمریکا موافقت با هرگونه تخصیص اعتبار برای تأمین هزینه‌های عملیات مداخله خارجی از سوی حکومت آمریکا را رد می‌کرد. این باشگاه در اقدامی برای نجات و آزادی «موبوتو» بنا به درخواست آمریکا در دیگر مناطق آشوب‌زده آفریقا مداخله می‌کرد.

کشور در اغلب مسائل جهانی و منطقه‌ای اتفاق نظر داشتند. سادات برای ایران نقش مهمی در برقراری ثبات خلیج فارس قائل بود و از مواضع حزب بعث عراق علیه ایران حمایت نمی‌کرد.^۱ در مقابل شاه نیز از پیمان کمپ دیوید که در ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۷۸ (۲۷ شهریور ۱۳۵۷) بین «مناخم بگین» نخست وزیر اسرائیل و «انور سادات» به امضا رسیده بود، حمایت می‌کرد. این پیمان همزمان با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران بود. وقوع انقلاب در ایران باعث تغییرات زیادی در خاورمیانه شد. اگر چه پیمان کمپ دیوید باعث ایجاد افتراق بین قاهره و اعراب و انزوای این کشور شد، اما نگرانی اعراب از وقوع انقلاب اسلامی باعث گرایش اعراب به مصر شد. از آن زمان تبلیغات منفی این کشور علیه ایران فضای بسته‌ای را فراهم کرد که تاکنون ادامه داشته است.

د. روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی

وقوع انقلاب اسلامی و چرخش مواضع و دیدگاه‌های ایران در برابر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، امضای قرارداد «کمپ دیوید» و سفر محمدرضا شاه پس از فرار از ایران به مصر باعث تغییر رفتار دو کشور نسبت به یکدیگر شد. روابط دیپلماتیک دو کشور در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۱ به فرمان امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران قطع شد. در حالی که تهران، مصر را به‌خاطر پیمان کمپ دیوید و به رسمیت شناختن اسرائیل مورد نکوهش قرار می‌داد؛ قاهره نیز ایران را به مداخله در امور داخلی خود و دیگر کشورهای عرب متهم می‌کرد. از این زمان مصر به یکی از مخالفان عمده سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شد و همواره از ایران به‌عنوان کشوری یاد می‌کرد که قصد دارد انقلاب خود را به دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای عرب مسلمان صادر کند. مصر در این سال‌ها تلاش می‌کرد با معرفی ایران به‌عنوان تهدیدی برای امنیت داخلی کشورهای عربی و همچنین مخل امنیت منطقه‌ای، کانون توجه کشورهای عرب را از خطر اسرائیل و قرارداد کمپ دیوید به‌سوی ایران جلب کرده و خود را سردمدار مبارزه با این خطر بزرگ معرفی کند. مصر از همه کشورهای مزبور می‌خواست تا از توسعه‌طلبی ایران در خلیج فارس جلوگیری کرده و در برابر آن مقاومت کنند. بدین ترتیب مصر قصد داشت ضمن رهایی از پیامدهای منفی قرارداد کمپ دیوید، فاصله خود را با کشورهای عرب که در نتیجه امضای

قرارداد کمپ دیوید ایجاد شده بود کم کند. با آغاز جنگ تحمیلی، مصر تلاش کرد تا از این فرصت برای تغییر فضای به وجود آمده از سوی کشورهای عرب علیه خود بهره گیرد؛ بنابراین به عنوان یک کشور کمک کننده و حامی در ابعاد تسلیحاتی، سیاسی، تبلیغاتی و حتی نیروی انسانی در جبهه عراق علیه ایران قرار گرفت.^۱ میزان کمک‌های نظامی مصر به عراق تا سال ۱۹۸۵ به بیش از دو میلیارد دلار رسید. از نوامبر سال ۱۹۸۱ تا اکتبر سال ۱۹۸۲ مصر بین ۴۰ تا ۶۰ خلبان جنگی به عراق اعزام کرد و در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ این کشور ۱۰ فروند هواپیمای F-4 و چهار فروند هواپیمای F-10 و ۲۵۰ دستگاه تانک T-5 به عراق صادر کرد.^۲ حمایت مصر از درخواست امارات در مورد جزایر سه گانه تلاش دیگری برای خروج از انزوا و ایجاد بستر مناسبی برای تخریب روابط ایران و اعراب بود. این اقدامات در تشدید اختلافات بین دو کشور تأثیر بسزایی داشت. مصری‌ها مشکلات داخلی خود را به ایران منتسب می‌کردند و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۱۳ به تعطیلی دفتر حفاظت منافع ایران در قاهره اقدام کردند.^۳

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ جریان تنش زدایی بین دو کشور آغاز شد. ایران در اولین اقدام برای نشان دادن حسن نیت خود تعدادی از اسرای مصری را تحویل قاهره داد و همچنین در دهه ۹۰ تحولاتی در سطح بین‌المللی رخ داد که پروسه تنش زدایی را تسریع کرد و شدت خصومت و تیرگی روابط را به تدریج کاهش داد. این متغیرها را می‌توان بدین شرح برشمرد:

۱. فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و پایان دوران دوقطبی در نظام بین‌الملل؛
۲. خاتمه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، این وضعیت باعث ایجاد تحرک در روابط ایران با کشورهای عرب از جمله عربستان شد و به تدریج مناسبات طرفین افزایش یافت؛
۳. اشغال کویت به وسیله عراق، این واقعه باعث ارتقای جایگاه ایران در بین کشورهای

I. اخیراً حسنی مبارک در گفتگو با روزنامه فیگارو اعلام کرد: «عراقی‌ها فراموش نمی‌کنند که در جنگ علیه ایران تعداد زیادی از سربازان مصری با آن‌ها همراهی می‌کردند و من یک بار از صدام شنیدم که می‌گفت ۱۸ هزار مصری در کنار عراقی‌ها می‌جنگند» (شرق، ۱۳۸۲/۶/۲۵).

1. حمید احمدی، همان، ص ۶۵.

2. برای اطلاع از نقش مصر در جنگ ایران و عراق و نیز میزان و چگونگی کمک‌های نظامی و تسلیحاتی این کشور به عراق در جنگ تحمیلی به منبع زیر رجوع شود:

- داود احمدزاده، «نقش مصر در جنگ ایران و عراق»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال دهم، شماره

عرب منطقه و همچنین تلطیف روابط ایران با سایر کشورها از جمله اتحادیه اروپا شد. امتیاز مهمی که ایران در این مقطع به دست آورد؛ متجاوز شناخته شدن عراق بود. با توجه به این که کشورهای عرب منطقه، امریکا و برخی کشورهای اروپایی در جنگ هشت ساله از حامیان اصلی مالی و تسلیحاتی عراق بودند؛ اما این جنگ باعث شد که کشورهای مزبور و سازمان ملل، عراق را به عنوان آغازگر جنگ علیه ایران معرفی کنند؛

۴. انتخاب آقای محمدخانی به عنوان رئیس جمهور و اعلام سیاست تنش زدایی در روابط خارجی با همه کشورها در مصاحبه با شبکه CNN باعث ایجاد تحول در رویکرد سیاست خارجی ایران شد. این رویداد جریان توسعه مناسبات ایران با کشورهای عرب خلیج فارس را که از زمان آقای هاشمی رفسنجانی آغاز شده بود تسریع کرد؛

۵. انعقاد پیمان‌های نظامی و تسلیحاتی اسرائیل با ترکیه، پیمان‌های مذکور از سوی کشورهای عربی و ایران به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی آن‌ها تلقی شده و آن را محکوم کرده‌اند. این وحدت نظر موجب تقویت همگرایی در روابط این کشورها با یکدیگر شد؛

۶. تهاجم امریکا به افغانستان و عراق، بحران‌های مزبور فرصتی فراهم کرد تا کشورهای منطقه به این فکر باشند که همگرایی مجموعه کشورها می‌تواند سبب ایجاد مدیریت بحران برای فائق آمدن بر بحران‌های منطقه‌ای به وسیله آن‌ها شود.

مجموعه عواملی که بر شمرده شد باعث تغییر نگرش ایران و مصر نسبت به یکدیگر و بازنگری جدی در روابط فی‌مابین شده است. در این راستا مقامات سیاسی دو کشور برای حل اختلافات و ترمیم روابط خود به انجام مذاکراتی در تهران و قاهره مبادرت کرده‌اند. همچنین مسئولان سیاسی و اقتصادی دو کشور در حاشیه برخی از اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای رفع سوء تفاهات و ایجاد بستر مناسب برای توسعه مناسبات مذاکراتی داشته‌اند. از جمله در اجلاس‌های بین‌المجالس، کنفرانس اسلامی، کنفرانس جمعیت و تنظیم خانواده در قاهره، کنفرانس خبرگزاری‌ها - که قبل از حمله امریکا به عراق در تهران برگزار شد - و اجلاس سال ۱۳۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

همچنین روابط فرهنگی دو کشور پس از انقلاب اسلامی به حداقل رسید؛ زیرا به دلیل سایه انداختن روابط سیاسی بر چنین همکاری‌هایی، این بُعد از روابط بین دو کشور تنها در چارچوب برخی فعالیت‌های موردی انجام گرفته است. برای مثال رشته زبان و ادبیات فارسی از رژیم گذشته تاکنون در اغلب دانشگاه‌های معروف مصر مانند دانشگاه الازهر، قاهره،

عین‌الشمس و اسکندریه دایر است^۱ و تاکنون افراد زیادی در این رشته در مقطع دکترا فارغ‌التحصیل شده‌اند که تعداد آن‌ها حداقل به یکصد نفر می‌رسد؛ ولی این گونه فعالیت‌های فرهنگی ایران به‌ویژه در مورد همکاری‌های علمی و دانشگاهی که پس از انقلاب رو به افول گذاشت؛ به تدریج تحت تأثیر تحولات سیاسی قطع شد و پس از آن حضور اساتید ایرانی در این کشور منتفی و رشته زبان و ادبیات فارسی کم‌رنگ و به حاشیه رانده شد^۲. اما ادبیات عبری قوت گرفت.

همکاری‌های فرهنگی ایران و مصر در واقع از دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی تحرک یافت و در دوره آقای خاتمی دامنه همکاری‌ها افزایش پیدا کرد. از جمله می‌توان به مشارکت در اجلاس گفتگوی تمدن‌ها، شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب و جشنواره‌های سینمایی اشاره کرد.^۳

مناسبات اقتصادی دو کشور نیز با توجه به ایجاد تحول در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، به‌ویژه پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تحت‌الشعاع بازسازی خرابه‌های ناشی از جنگ و ترمیم اوضاع اقتصادی کشور و نیز سیاست تنش‌زدایی، به تدریج جریان سازنده‌ای پیدا کرد. با وجود این کماکان ملاحظات سیاسی و فضای بی‌اعتمادی بر روابط اقتصادی سایه انداخته و با توجه به این که زمینه‌های مناسبی برای توسعه و تعمیق سطح همکاری‌ها وجود دارد، اما طرفین به‌علت فقدان اطلاعات از نیازهای یکدیگر، نتوانسته‌اند بسترهای همکاری را شناسایی کنند.

براساس گزارش هیأت عمومی سرمایه‌گذاری و مناطق آزاد مصر، سرمایه‌گذاری ایران در این کشور از مرز ۷۵۰ میلیون لیره فراتر رفته است. همچنین دو طرف توافق کرده‌اند که طرح‌های بسیاری را به اجرا درآورند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تأسیس مجتمع ریسندگی و نساجی در منطقه صنعتی شمال خلیج سوئز با هزینه ۴۰۰ میلیون لیره، ساخت کارخانه مشترک تولید سیمان در شهر «بنی سویف» مصر با ظرفیت تولید ۱/۳ میلیون تن، بررسی طرح مشترک مصری، ایرانی و سعودی به ارزش بیش از ۲۰۰ میلیون دلار در زمینه تولید فراورده‌های پتروشیمی.

I. جمیله کدیور، همان، ص ۳۱۰.

۱. جعفر شهیدی، «اشک‌هایی بر ساحل نیل»، مجله سیاست خارجی، سال ششم، ۱۳۷۱، ص ۱۸۰.

۲. جمال حسینی، «دورنمای همکاری راهبردی ایران و مصر»، مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۷۹،

ص ۱۰۸.

نمایندگی بازرگانی مصر میزان مبادلات بازرگانی میان دو کشور را در سال ۱۳۷۹ حدود ۲۰۰ میلیون دلار برآورد و تصریح کرد که زمینه‌های بسیاری برای صدور تولیدات مصر به بازار ایران وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: دارو، فراورده‌های غذایی، مصالح ساختمانی، مواد شیمیایی، صنایع فلزی و مهندسی. البته باید توجه داشت که مناسبات اقتصادی هیچ‌گاه مطابق علاقه طرفین سیر صعودی نداشته و معمولاً از سطح توقعات پایین‌تر است.

در ذیل به برخی از تفاهمات اقتصادی دوجانبه اشاره می‌شود:

- ساخت پنج کارخانه نیشکر در استان خوزستان از سوی مصر،^۱
- امضای یادداشت تفاهم برای فروش یک هزار دستگاه تراکتور تبریز به مصر،
- نمایندگی اختصاصی ایران در قاهره در مهر سال ۱۳۷۸،
- نمایندگی اختصاصی مصر در تهران در سال ۱۳۷۹،
- نمایندگی اختصاصی تولیدات ایران در قاهره در مهر سال ۱۳۷۹،
- (در این نمایندگی سی شرکت ایرانی حضور داشته و در حاشیه این نمایندگی دیدارهایی میان بازرگانان و مسئولان دو کشور صورت گرفت)،
- حضور تعدادی از شرکت‌های ایرانی در نمایندگی تجاری قاهره در فروردین سال ۱۳۸۰،

- حضور تعدادی از شرکت‌های مصری در نمایندگی تجاری تهران در تیر سال ۱۳۸۰،
- برگزاری نشست با سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در ۲۸ و ۲۹ آوریل سال ۲۰۰۴ در شرم‌الشیخ و امضای موافقتنامه تشکیل کمیسیون اقتصادی.^۲

۳. اهمیت روابط متقابل برای دو کشور

ایران و مصر به دلیل قرار گرفتن در منطقه حساس خاورمیانه و نیز برخورداری از موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی و وجود زمینه‌های همکاری در ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی می‌توانند در تأمین اهداف و منافع خود از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های یکدیگر استفاده

I. محمد السعید عبدالؤمن، «راه‌های گسترش همکاری بین مصر و ایران»، مطالعات آفریقا، سال اول، شماره سوم، ۱۳۷۴، ص ۱۵۴.

1. شرق به نقل از پایگاه اینترنتی روزنامه الاهرام، ۱۳۸۳/۲/۱۴.

کنند. مرادوات گذشته دو کشور بیانگر آن است که هرگاه اراده طرفین بر همکاری و اشتراک مساعی درباره هدفهای مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داشته است، علاوه بر تأمین خواسته‌های خود توانسته‌اند نقش مثبت و سازنده‌ای را در ایجاد صلح و ثبات ایفا کنند و هرگاه مسائلی موجب ایجاد شکاف بین آنها شده، منافع طرفین و امنیت منطقه با چالش مواجه شده است.

الف. مؤلفه‌های اهمیت ایران برای مصر

۱. موقعیت جغرافیایی مهم ایران به‌ویژه در خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز،
۲. برخورداری ایران از منابع عظیم گاز و نفت،
۳. بازار گسترده ایران برای کالاهای مصری،
۴. قدرت منطقه‌ای ایران و نقش آن در جلوگیری از شکل‌گیری قدرت منطقه‌ای اسرائیل،
۵. استفاده از توانمندی‌های فنی ایران در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی،
۶. نقش و سهم عمده ایران در ایجاد فضای امن در خلیج فارس،
۷. تلاش و حمایت‌های ایران برای احقاق حقوق مردم فلسطین،
۸. مخالفت ایران با سلاح‌های کشتار جمعی اسرائیل،
۹. مخالفت ایران با پیمان‌های نظامی ترکیه و اسرائیل.

ب. مؤلفه‌های اهمیت مصر برای ایران

۱. مناسبات ایران با کشورهای عرب خلیج فارس به‌ویژه کشورهایی که مناقشاتی با ایران دارند؛ از طریق ارتباط نزدیک با مصر بهبود خواهد یافت؛
۲. تسهیل صدور کالاهای ایران به مصر و نیز از طریق این کشور به آفریقا؛
۳. ارتباط با مصر می‌تواند در رفع سوء تفاهمات شورای همکاری خلیج فارس با ایران تأثیرگذار باشد؛
۴. ارتباط با مصر می‌تواند دیدگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه عرب را اصلاح کرده و زمینه همکاری را هموار کند؛
۵. با توجه به سیاست‌های مصر در مورد اسرائیل، این کشور می‌تواند شریک مناسبی برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل برای به کنترل درآوردن تأسیسات هسته‌ای به‌وسیله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد؛

۶. مصر می‌تواند به‌عنوان شریک منطقه‌ای مانع نفوذ اسرائیل در کشورهای عربی شود؛
۷. با توجه به مسائل امنیتی خلیج فارس، همکاری ایران، مصر و کشورهای حوزه خلیج فارس می‌تواند در تأمین امنیت و ثبات این منطقه اثرگذار باشد.

۴. چالش‌ها و موانع برقراری روابط دیپلماتیک

وقوع انقلاب اسلامی ایران باعث تغییرات بنیادینی در دیدگاه‌های این کشور نسبت به ساختار قدرت در نظام بین‌الملل شد. به‌دنبال تغییر در نظام مدیریتی و اولویت یافتن ایدئولوژی اسلامی در مبانی رویکردی سیاست خارجی کشورمان، نگرش و رفتار ایران نیز در تعامل با کشورها و در مجموع با نظام بین‌الملل، دستخوش تحول شد. انقلاب اسلامی با ایدئولوژی خود نظام جهانی را که قبل از فروپاشی شوروی، براساس توزیع قدرت به دو قطب شرق و غرب تقسیم شده بود؛ زیر سؤال برد و خواستار برچیده شدن این توازن و تعریف جدیدی از نظام بین‌الملل شد. ایران، کشورهای جهان سوم و در حال توسعه را به مقابله با سیاست‌های استعماری ابرقدرت‌ها فراخواند و این امر موجب خارج شدن ایران از جرگه کشورهای هم‌پیمان غرب شد.

عوامل متعددی مانع از شکل‌گیری برقراری رابطه سیاسی پایدار بین این دو قدرت منطقه‌ای (ایران و مصر) شده‌اند که در ادامه، مصادیق آن‌ها در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بررسی می‌شود.

الف. سطح داخلی

۱. مخالفت برخی احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ و موارد اختلاف برانگیز

برخی از احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ داخلی برقراری روابط دو کشور را مغایر با بینش خود می‌دانند. در ایران برخی گروه‌ها نادیده گرفتن امضای پیمان کمپ دیوید از سوی مصر را خیانت به آرمان فلسطین و مخالفت با فرمان امام خمینی تلقی می‌کنند. در مصر نیز برخی احزاب و گروه‌ها، انقلاب اسلامی ایران را در تعارض با تفکرات خود می‌پندارند. این نمونه رفتارها نه تنها در مصر بلکه در اغلب کشورهای عربی که از سوی وهابیت حمایت می‌شوند، مشاهده می‌شود.

۲. **اتهام مصر در مورد حمایت ایران از گروه های بنیادگرای اسلامی این کشور**

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با استقبال مسلمانان جهان به ویژه در کشورهای خاورمیانه مواجه شد، به نحوی که موجی از اسلام‌گرایی را به ویژه در کشورهای مسلمان برانگیخت و موجبات رشد و تقویت گروه‌ها و احزاب اسلامی را فراهم ساخت. مصر نیز جزء این کشورها بود که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت و انقلاب ایران باعث افزایش فعالیت‌های دینی - سیاسی گروه‌های اسلام‌گرا شد. حکومت‌های اقتدارگرا که از پشتوانه مردمی برخوردار نبودند سعی کردند تا به مقابله با این رویکرد برخیزند و به همین دلیل به اقدامات پلیسی روی آوردند و به سرکوب و خشونت پرداختند. در مصر نیز تاکنون این شیوه تعقیب شده است. اوج حمایت‌های مردمی از رهیافت انقلاب اسلامی در قتل «انورسادات» عامل عقد پیمان «کمپ دیوید» تجلی یافت. حکومت مصر نیز برای رهایی از مشکلات و نابسامانی‌های داخلی به برون‌فکنی پرداخت و جمهوری اسلامی ایران را متهم به صدور انقلاب اسلامی و دخالت در امور داخلی این کشور کرد.

۳. نامگذاری خیابانی در تهران به نام «خالد اسلامبولی»

نام خیابان خالد اسلامبولی در تهران از جمله موانع فرعی در برقراری روابط بین ایران و مصر است که با وجود مصوبه شورای شهر تهران در مورد تغییر نام خیابان «خالد اسلامبولی»، اقدام عملی در این مورد صورت نگرفته است. موانع فرعی اگرچه در سلسله مراتب، از اهمیت کم‌تری برخوردارند اما، حل‌وفصل آن‌ها برای رفع سوء تفاهمات و اعتمادسازی با اهمیت تلقی می‌شوند.

ب. سطح منطقه‌ای

۱. قرارداد کمپ دیوید و روابط مصر و اسرائیل

وقوع انقلاب اسلامی ایران، صلح مصر با اسرائیل و عقد قرارداد کمپ دیوید در ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۷۸ شرایط را برای ادامه روابط تهران - قاهره پیچیده کرد. امام خمینی حتی در قبل از پیروزی انقلاب، به نادیده گرفتن حقوق فلسطینیان از سوی اسرائیل و نیز غاصب و نامشروع بودن رژیم تل‌آویو اعتقاد داشت. با اقدام «انورسادات» که موجب به رسمیت شناخته شدن اسرائیل و متعاقباً اخراج این کشور از اتحادیه عرب شده بود؛ امام خمینی در تصمیمی برای حمایت از آرمان ملت فلسطین و هم‌نوایی با اعراب، قطع رابطه با مصر را اعلام کرد. این موضوع

تاکنون یکی از مسائل مهم و مؤثر در عدم برقراری مجدد رابطه بین دو کشور بوده است. علاوه بر مناسبات دیپلماتیک، دو کشور مصر و اسرائیل در زمینه اقتصادی نیز همکاری‌هایی دارند که شامل سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، آب رود نیل، نفت و گاز، صنایع نساجی، گردشگری و غیره است. اسرائیل از سال ۱۹۸۵ بودجه‌ای معادل ۲۰ میلیون دلار برای آموزش کارشناسان و دانشجویان کشاورزی مصر در اسرائیل که در سال ۱۹۹۴ بالغ بر ۱۷۰۰ نفر شدند؛ اختصاص داد.^۱ با همه این اوصاف با گذشت ۲۷ سال از انعقاد قرارداد کمپ دیوید، اگرچه مناسبات سیاسی و اقتصادی بین طرفین وجود دارد؛ اما سوءظن و بی‌اعتمادی دولت و به‌ویژه مردم مصر نسبت به اهداف تل‌آویو همچنان به قوت خود باقی است.

۲. روابط مصر و سودان

روابط مصر و سودان پس از روی کار آمدن ژنرال «عمر البشیر»، بیش‌تر تحت تأثیر بنیادگرایی اسلامی قرار داشته است. حضور افراط‌گرایان در سودان باعث تبدیل شدن خارطوم به یکی از کشورهای بنیادگرا شده است. بهبود مناسبات ایران و سودان، روابط خارطوم و قاهره را تحت تأثیر قرار داده و در آخرین رویداد مهم که مربوط به ترور نافرجام «حسنی مبارک» بود و به خارطوم نسبت داده شد، امریکا حکومت سودان را به دخالت در امور تروریستی متهم کرد. واشنگتن تاکنون تلاش کرده است که از طریق مداخله در امور داخلی این کشور به‌ویژه مسأله جنوب سودان، اتهام ارتباط سودان با القاعده و ارتباط با ایران به‌خاطر دریافت کمک تسلیحاتی و آموزش نیروهای نظامی سودان به‌وسیله ایران، با حکومت «عمر البشیر» مخالفت کند.

یکی دیگر از مسائل عمده در روابط قاهره و خارطوم طرح موضوع تفکیک جنوب سودان از دولت مرکزی است. مصر نگران تجزیه سودان است. مخالفان مسیحی جنوب سودان به رهبری «جان گارانگ»^۲ که از حمایت امریکا نیز برخوردارند، چندین سال است که برای تشکیل حکومت خودمختار با دولت مرکزی مبارزه می‌کنند. اخیراً سران جنبش‌های اپوزیسیون سودان (جان گارانگ، صادق المهدی و محمد عثمان المرغانی) در قاهره تشکیل جلسه داده‌اند. گفتگوها حول

۱. «تلاش گسترده اسرائیل برای نفوذ در اقتصاد مصر»، کار و کارگر، ۱۳۷۷/۲/۱.

۲. وی در سال جاری پس از دست یافتن به‌سمت معاون ریاست جمهوری، در سانحه‌ای هوایی درگذشت.

محور آخرین نتایج مذاکرات صلح در کنیا بوده است. «جان گرانگ» نماینده ارتش آزادیبخش خلق سودان بود که مذاکرات صلح را با دولت خارطوم در کنیا انجام می‌داد. «مرغانی» رهبر حزب اتحاد دموکراتیک و «صادق المهدی» رهبر حزب امت است. هدف از مذاکرات صلح در کنیا پایان جنگ بیست ساله داخلی در سودان بوده است. قاهره مایل است که صلح در سودان با وحدت ارضی این کشور همراه باشد، زیرا در صورت وقوع این مهم، از هم‌گسیختگی و ناامنی در مرزهای مصر و سودان به وقوع خواهد پیوست و تأمین امنیت مرزهای قاهره در مواجهه با مسیحیان جنوب را دشوار و آسیب‌پذیر خواهد ساخت.

یکی دیگر از مسائل مورد مناقشه دو کشور، منطقه نفت‌خیز حلاب و آب رود نیل است. اقتصاد دو کشور بر پایه تولید محصولات کشاورزی قرار داشته و آب جایگاه مهمی برای طرفین دارد. اغلب مناطق کشاورزی مصر در حاشیه رود نیل قرار دارد؛ بنابراین چگونگی بهره‌برداری از آب نیل همواره مورد مناقشه دو کشور بوده و حتی قاهره تهدید کرده است در صورتی که در تأمین آب مورد نیاز خود با خللی مواجه شود به نیروی نظامی متوسل خواهد شد.^۱

۳. حمایت مصر از ادعای امارات متحده عربی در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی

اتحادیه عرب در نشست‌های خود به کرات به درخواست امارات متحده عربی موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی را در دستور کار خود قرار داده و از ادعای امارات حمایت به‌عمل آورده است. این اتحادیه حتی خواستار ارجاع این اختلاف به دیوان لاهه شده است. مصر نیز به‌عنوان عضو تأثیرگذار- که در حال حاضر دبیر کلی این اتحادیه را به عهده دارد - تاکنون همسو با دیدگاه‌ها و مواضع کلی اتحادیه و ادعاهای امارات عمل نموده است. اخیراً وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که از اعضای اتحادیه عرب نیز هستند در نشستی با «کالین پاول» - در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل - مسأله جزایر سه‌گانه ایرانی را به بحث گذاشتند. این کشورها تهدید کردند در صورت عدم حل‌وفصل ادعای امارات، موضوع را از طریق دیوان لاهه پیگیری خواهند کرد.^۲

I. برای مطالعه رجوع شود به:

"Prerenting Conflict, Moving towards Cooperation in the Nile Basin", www.Gefweb.org
2. www.gcc-sg.org/september,25,2004.

۴. حمایت مصر از عراق در جنگ تحمیلی

میزان حمایت‌های مالی و تسلیحاتی و تبلیغاتی مصر از رژیم صدام در این گزارش ذکر شده است. نکته قابل توجه در میزان کمک‌های مالی سران کشورهای عربی به صدام این است که اخیراً «ریچارد آرمیتاژ» قائم مقام وزارت امور خارجه امریکا در کنگره این کشور اعلام کرده است که حاکمان کشورهای عرب در دهه ۸۰، چهل و پنج میلیارد دلار در جنگ عراق علیه ایران به رژیم صدام کمک کرده‌اند.^۱

۵. روابط ایران با گروه‌های فلسطینی مخالف صلح

موضوع محکومیت اشغال فلسطین و حمایت از مردم ستمدیده آن همواره چه در قبل از انقلاب و چه در بعد از آن مورد تأکید امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی بوده و به محور اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. این موضوع تاکنون با جدیت از سوی دستگاه دیپلماسی و مقامات کشور پیگیری شده است. جمهوری اسلامی ایران مبارزات گروه‌های اسلامی فلسطینی برای آزادسازی وطن خویش را به حق دانسته و از آن حمایت کرده است. ایران حمایت از گروه‌های فلسطینی را برخلاف دیدگاه امریکا و متحدانش - که این گروه‌ها را تروریست می‌نامند - معتقد است که مبارزات ملت‌های تحت ستم برای رها ساختن وطن اشغالی خود، حق مسلم فلسطینی‌ها بوده و از مصادیق مبارزه با اشغالگری محسوب می‌شود. مصر که از هم‌پیمانان امریکا در خاورمیانه است، تلاش دارد تا در راستای اهداف و برنامه‌های خاورمیانه‌ای واشنگتن گام بردارد؛ بدین لحاظ برخلاف ایران از طرح‌های سازشکارانه که حقوق فلسطینی‌ها در آن‌ها نادیده گرفته شده، حمایت به عمل آورده است. از سوی دیگر مصر به دلیل ارتباط سیاسی با تل‌آویو، با هرگونه مقابله نظامی با اشغالگران از سوی مردم و گروه‌های فلسطینی مخالفت نموده است. تفاوت رویکرد ایران و مصر در این زمینه، تاکنون محل مناقشه طرفین بوده است.

۶. درخواست مقامات مصری از ایران برای تحویل برخی از اعضای جماعت

اسلامی و الجهاد

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقب آن حمله امریکا به افغانستان، باعث فرار نیروهای القاعده از این کشور شد. جمهوری اسلامی ایران که خود از قربانیان اقدامات تروریستی است در مقابله با تروریست‌ها فعالانه در این زمینه عمل کرده است به‌نحوی که اقدامات ایران

1. www.baztab.com/4/7/1383.

منجر به دستگیری تعدادی از نیروهای این گروه در داخل و در مرزهای کشورهای گشود. با توجه به دستگیری تعدادی از اتباع مصری که از اعضای القاعده هستند، قاهره خواستار تحویل این افراد شده است. در مقابل جمهوری اسلامی ایران اعلام نموده است که قصد محاکمه و مجازات آنها را در دادگاه‌های خود دارد.

ج. سطح فرامنطقه‌ای

۱. روابط آمریکا با مصر

مصر پس از اسرائیل یکی از قدیمی‌ترین، مستحکم‌ترین و استراتژیک‌ترین روابط را در خاورمیانه با آمریکا دارد. پیوندهای نظامی، سیاسی و اقتصادی مصر با آمریکا باعث فاصله این کشور از ایران شده است. در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۱ آمریکا بالغ بر ۲۸ میلیارد دلار به صورت کمک خارجی در اختیار مصر گذاشته و ۶/۸ میلیارد دلار نیز از بدهی‌های این کشور را بخشیده است.^۱ مصر پس از قرارداد کمپ دیوید سالانه ۲ میلیارد دلار کمک از آمریکا دریافت می‌کند و از این نظر بعد از اسرائیل در مکان دوم قرار دارد. براساس آمار و ارقام صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۹۸ ارزش کالاهای صادراتی مصر به آمریکا ۶۳۵ میلیون دلار بود که ۱۳ درصد کل صادرات مصر به کشورهای خارجی را تشکیل می‌داد. از سوی دیگر در همان سال مصر ۳/۳۶۶ میلیارد دلار کالا از ایالات متحده وارد کرد. این میزان واردات ۱۵/۲ درصد کل واردات مصر را تشکیل می‌داد. در همین سال واردات آمریکا از مصر یک درصد صادرات این کشور بود و صادرات آن به مصر پنج درصد کل صادرات آمریکا به کشورهای خارجی را تشکیل می‌داد. در سال ۱۹۹۹ کل واردات مصر از آمریکا، ۳۱ درصد بوده است. برطبق گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۹۸ کسری تراز تجاری مصر با آمریکا حدود ۲/۷۳ میلیون دلار بود. مجموع کسری موازنه تجاری مصر در مقابل ایالات متحده در چهار سال یعنی از سال ۱۹۹۵ تا سال ۱۹۹۹ به ۷/۸۴۲ میلیارد دلار رسید.

به قدرت رسیدن «انور سادات» افق جدیدی را در روابط قاهره - واشنگتن گشود؛ به طوری که پس از پیمان کمپ دیوید، مصر به یکی از هم‌پیمانان استراتژیک آمریکا در خاورمیانه تبدیل شد. با ترور سادات این رابطه ادامه یافت و با همان قوت از سوی «مبارک»

I. قاسم قاسم‌زاده، «سیاست تنش‌زدایی و تجدید روابط سیاسی ایران و مصر»، مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره دوم، ۱۳۷۹، ص ۹۰.

دنبال شد. مصر تاکنون در عملیات استقرار و حفظ صلح در برخی از نقاط جهان با آمریکا مشارکت داشته است. همکاری نیروهای دو کشور در برنامه‌های حفظ صلح سازمان ملل از جمله در سومالی، بوسنی، کوزوو و تی‌مور شرقی بیانگر عمق روابط آن‌هاست. دو کشور در مورد مسائل خاورمیانه با یکدیگر همکاری می‌کنند و درصدد هستند که مذاکرات صلح بین اسرائیل و کشورهای عرب تداوم یافته و به نتیجه برسد. روابط نظامی دو کشور گسترده است و این همکاری‌ها شامل برخی حوزه‌های استراتژیک از جمله همکاری در روند نوسازی تسلیحات و آموزش نیروهای مسلح مصر است. آمریکا هر سال ۱/۳ میلیارد دلار کمک نظامی به این کشور می‌دهد. یکی از حوزه‌های مهم همکاری نظامی، برگزاری مانور «ستاره درخشان» است که هر دو سال یک بار در مصر برگزار می‌شود. استقرار فرماندهی مرکزی مشترک در مصر برای این رزمایش‌ها، نشان‌دهنده دیدگاه مثبت آمریکا نسبت به توانایی ارتش مصر است. قابل ذکر است که اگرچه همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی بین مصر و آمریکا تاکنون ادامه داشته است؛ اما دیدگاه‌های دو کشور در همه زمینه‌ها یکسان نبوده و مشکلاتی را نیز در پی داشته است.^۱ برای مثال محکومیت کشتار فلسطینی‌ها و توسعه شهرک‌سازی به‌وسیله اسرائیل، اشغال جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲، تأکید بر الحاق اسرائیل به کنوانسیون‌های منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی از جمله NPT.^۲

نکته مهم و قابل توجه در این رابطه نقش تعیین کننده اسرائیل در روابط آمریکا و مصر است. رابطه دو کشور پس از ۱۱ سپتامبر به دلیل شرکت تعدادی از اتباع مصری در عملیات انتحاری در خاک ایالات متحده، موضع‌گیری اولیه مصر در مورد اشغال عراق به‌وسیله آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ وزارت خارجه آمریکا وارد مرحله نوینی شد. واشنگتن با طرح اصلاح ساختار سیاسی، مسائلی مانند دموکراسی، حقوق بشر و انتخابات آزاد را در این کشور تعقیب می‌کند. پس از واقعه سپتامبر و کاهش درآمد حاصل از گردشگری، مصر از آمریکا ۱۵۰ میلیون دلار کمک اضافه، درخواست کرد؛ اما واشنگتن پرداخت این کمک را منوط به رعایت

I. برای مطالعه بیشتر تر پیرامون روابط مصر و آمریکا رجوع شود به:

- Cyril Widdershoven, "American Viewson Egypt Promising Problematic?", <http://www.mideastinfo.com>
 - Mohamed Sid- Ahmed, "Whither Egyptian- American Relation?", <http://www.weeklyahram.org>
 - Hetsy Hiel, "U.S has Critical Moment to Better Egyptian Relation", <http://www.pittsburghlive.com>
2. Non Proliferation Treaty

حقوق بشر کرده است.^۱ واشنگتن امیدوار است با انجام اصلاحات سیاسی به‌وسیله قاهره، همچنان از کمک‌های هم‌پیمان خود در خاورمیانه برخوردار شود.

۲. روابط ایران و آمریکا

پس از سقوط رژیم پهلوی، ایران با سیاست‌های استکباری آمریکا به مخالفت برخاست. این موضوع باعث مناقشه ۲۷ ساله بین دو کشور شده است. مخاصمه دو کشور که پس از روی کار آمدن سید محمد خاتمی اندکی کاهش یافته بود؛ با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق در راستای اهداف خاورمیانه‌ای واشنگتن و طرح اتهاماتی در مورد ایران از قبیل تلاش ایران برای تولید سلاح هسته‌ای و متعاقب آن انتشار بیانیه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مهرماه سال ۱۳۸۲، نقض حقوق بشر در ایران، اخلاف در روند صلح خاورمیانه و عدم همکاری برای محو تروریسم، شدت گرفت. مصر به دلیل تعلقات مالی، اقتصادی، امنیتی و تسلیحاتی به ایالات متحده ناگزیر به هم‌سویی با سیاست‌های آمریکا بوده است.

۳. عدم تمایل برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

ایران و مصر به‌عنوان دو قطب قدرتمند در خاورمیانه، در صورت همکاری و تعامل سازنده از ظرفیت بالایی برای تأثیرگذاری و فائق آمدن بر مشکلات و بحران‌های منطقه‌ای برخوردارند. به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی نه تنها علاقه‌ای به نقش‌آفرینی تهران و قاهره در این منطقه ندارد، بلکه کاهش سطح تعاملات و افزایش شکاف‌های سیاسی بین دو کشور از اهداف تل‌آویو است. به هر اندازه که همکاری بین ایران و مصر افزایش یابد به همان نسبت موقعیت تل‌آویو در منطقه متزلزل و آسیب‌پذیر خواهد شد. آمریکا نیز تقویت و گسترش همکاری‌ها بین ایران و مصر را خلاف منافع خود می‌پندارد، بنابراین برای منزوی ساختن و تحت فشار قرار دادن ایران به اشکال مختلف سعی در ایجاد تنش و تحدید روابط بین دو کشور دارد.

۵. فرصت‌های همکاری

فرصت‌های مناسبی برای همکاری سودمند بین دو کشور وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها به این شرح هستند:

I. لئوناردو بی‌زوزا، «بررسی وضعیت کمک‌های آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر»، ترجمه ابراهیم رستمی‌فر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۱، ص ۷۶۶.

الف. همکاری در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

همکاری دو کشور در گروه ۸ و ۱۵

این دو گروه به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ تشکیل شدند. اهداف این گروه‌ها همکاری‌های اقتصادی و مشارکت جمعی در فرایند اخذ تصمیمات بین‌المللی است.^۱ اعضای این دو گروه که از قاره‌های مختلف هستند، می‌توانند با توجه به تنوع امکانات خود، یکدیگر را در رسیدن به توسعه اقتصادی یاری کرده و در اخذ تصمیمات مهم بین‌المللی، مواضع گروهی خود را لحاظ کنند. اگرچه موانعی چون اقتصادهای ضعیف و ناهمگون و دیدگاه‌های مختلف سیاسی در بین آن‌ها به‌عنوان عوامل تضعیف‌کننده همکاری وجود دارد.

سازمان کنفرانس اسلامی

حضور ۵۷ کشور در این سازمان که هدف آن هماهنگی و وحدت مواضع مسلمانان در مورد مسائل بین‌المللی است و نیز برخورداری از ۲۳ درصد جمعیت جهان و ۷۴ درصد ذخایر نفت جهان، اهمیت چشمگیر این سازمان را نشان می‌دهد. ایران و مصر به‌عنوان دو قطب مهم جهان اسلام می‌توانند در تحرک بخشیدن و روزآمد کردن فعالیت‌ها و عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی در عرصه‌های مختلف جهانی و متناسب با تحولات سیاست بین‌الملل، رسالت و نقش فعال و سازنده‌ای را در کمک به حل منازعات و کشمکش‌های سیاسی ایفا کنند.

ب. همکاری دوجانبه در زمینه نگرانی‌های مشترک و مقابله با تهدیدات

اسرائیل

اگرچه قاهره اولین کشور جهان عرب بود که با اسرائیل پیمان صلح منعقد کرد؛ اما اختلافاتی نیز بین دو رژیم وجود دارد که نه تنها سطحی نیست؛ بلکه به‌دلیل مرتبط بودن با امنیت ملی و نقش منطقه‌ای این کشور از عمق زیادی برخوردار است. نخستین اختلاف دو رژیم حل مشکل فلسطینی‌ها و عقب‌نشینی از مناطق اشغالی است تا مقدمات تشکیل دولت فلسطین در سرزمین مورد توافق در کرانه باختری و نوار غزه مهیا شود.^۲ اختلاف بعدی مصر

۱. اصغر جعفری ولدانی، همان، ص ۲۷.

۲. «حسنی مبارک» رئیس‌جمهور مصر در این باره معتقد است که اسرائیل باید به محاصره مردم فلسطین خاتمه دهد، ترورهای مکرر در سرزمین‌های فلسطینی را متوقف کند، شهرک‌سازی را در سرزمین اشغالی پایان دهد و از سرزمین‌های اشغالی اعراب در سال ۱۹۶۷ عقب‌نشینی کند. (به نقل از: همشهری، ۱۳۸۱/۳/۲۲).

با اسرائیل به توان هسته‌ای تل‌آویو برمی‌گردد. قاهره با اعلام عاری شدن خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی، خواستار پیوستن اسرائیل به معاهدات بین‌المللی و اجازه به نمایندگان سازمان بین‌المللی انرژی اتمی برای بازدید از تأسیسات اتمی اسرائیل شده است. مسائل اقتصادی و حضور منطقه‌ای اسرائیل از دیگر موارد اختلاف طرفین است. مصر معتقد است که اسرائیل ابتدا باید از مناطق اشغالی عقب‌نشینی و مشکل فلسطینی‌ها را حل کرده آن‌گاه به توسعه اقتصادی با کشورهای عرب مبادرت کند. اما اسرائیل تصور می‌کند که با نادیده گرفتن و دور زدن این موضوع می‌تواند با دولت‌های عربی همکاری‌های منطقه‌ای داشته باشد. قاهره مخالف طرح‌های اقتصادی اسرائیل در منطقه است و حاضر نیست این رژیم نقش برجسته‌ای در منطقه داشته باشد.^۱ نگرانی مصر از حضور نظامی اسرائیل در منطقه به‌ویژه پیمان نظامی با ترکیه و برخی از کشورهای آسیای مرکزی به سوءظن قاهره نسبت به تل‌آویو دامن زده است. موارد دیگر بی‌اعتمادی مصر به اسرائیل مربوط به عدم اجرای مفاد قرارداد کمپ دیوید از جمله پرداخت غرامت به مصر به میزان ۲۰ میلیارد دلار به‌خاطر استفاده از منابع نفتی صحرای سینا در زمان اشغال، عدم آزادی زندانیان مصری از زندان‌های اسرائیل، جاسوسی و توزیع مواد مخدر در مصر است.^۲ با وجود این که پس از پیمان کمپ دیوید، اسرائیل در سال ۱۹۸۲ صحرای سینا را تخلیه کرد؛ اما اختلاف بر سر تملک منطقه «طابا» همچنان ادامه دارد.^۳

مصر و ایران در زمینه سیاست‌های خاورمیانه‌ای اسرائیل نگرانی‌های مشترکی دارند. انعقاد پیمان‌های نظامی اسرائیل با ترکیه و پیمان سه‌جانبه اسرائیل، ترکیه و آذربایجان، حضور این کشور در کشورهای آسیای میانه به‌ویژه در ازبکستان نگرانی‌های دو طرف را مضاعف ساخته است. دامنه نفوذ اسرائیل به آفریقا نیز کشیده شده است. تل‌آویو با برخی از کشورهای این قاره از جمله اتیوپی در زمینه مسائل آب نیل همکاری مشترکی دارد. از دیگر نگرانی‌های دو کشور قدرت نظامی و هسته‌ای اسرائیل است. مصر از توسعه سلاح‌های غیرمتعارف به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل همواره ابراز نگرانی کرده است. تجربه مصر از جنگ‌هایی که با اسرائیل داشته و به‌ویژه جنگ سال ۱۹۷۳، این کشور را در حالت اضطراب

I. «اختلافات استراتژیک مصر و اسرائیل»، ترجمه جعفری، اطلاعات، ۱۳۷۹/۴/۱۵.

۱. «مصر پس از کمپ دیوید»، مردم سالاری، ۱۳۸۱/۷/۴.

۲. اصغر جعفری‌ولدانی، «اسرائیل و حوزه دریای سرخ»، مطالعات خاورمیانه، سال پنجم، شماره ۴، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷.

و صلح مسلح نگه داشته است. موضع ایران و مصر در مورد پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) یکسان است. هر دو خواستار عاری شدن منطقه خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی بوده و از مجامع بین‌المللی تقاضای حضور و بازرسی از تأسیسات هسته‌ای تل‌آویو را کرده‌اند. در عین حال دو طرف از کاربرد صلح‌جویانه انرژی هسته‌ای حمایت می‌کنند. موضع مصر در برابر بیانیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد ایران بیانگر هم‌سویی این کشور با دیدگاه‌های ایران است. «حسنی مبارک» درباره فعالیت هسته‌ای ایران اخیراً اعلام داشته است: «کشورهای دیگری در منطقه از جمله اسرائیل و پاکستان بمب هسته‌ای در اختیار دارند و زمانی که کشوری تصمیم می‌گیرد که به سلاح اتمی مجهز شود به این دلیل است که کشور مقابل آن در این کار پیشقدم شده است». همچنین «احمد ماهر» وزیر امور خارجه مصر در این رابطه و به دنبال فشارهای سیاسی و تهدیدات اقتصادی آمریکا علیه ایران اعلام کرد که تهدید آمریکا علیه ایران بی‌ثمر است؛ زیرا صدور قوانین از سوی کشوری علیه کشورهای دیگر، رفتار شایسته‌ای در روابط بین‌الملل شناخته نمی‌شود. وی در مصاحبه با روزنامه کویتی «الرای العام» تصریح می‌کند که تهدید ایران از سوی آمریکایی‌ها با شرایط کنونی اوضاع بین‌المللی سازگار نیست.

با توجه به نکات مذکور و نیز رویکرد قاهره در حمایت از مردم فلسطین در برابر کشتارهای اسرائیل، حمایت از تشکیل دولت فلسطینی به مرکزیت بیت‌المقدس و مخالفت با شهرک‌سازی اسرائیل، یکی از شرایط ایران را که فاصله گرفتن قاهره از اسرائیل و پیمان کمپ دیوید برای برقراری رابطه بود، به تدریج تحقق بخشیده است.

ج. همکاری دوجانبه در به رسمیت شناختن حقوق ملت فلسطین در تشکیل

دولت مستقل فلسطینی

با توجه به تفاوت مواضع سیاسی ایران و مصر در قضیه فلسطین و صلح اعراب و اسرائیل، دو کشور می‌توانند با مبنا قرار دادن صلح عادلانه و فراگیر که زمینه آن از طریق به رسمیت شناختن دولت فلسطین میسر خواهد شد، تبادل نظر و همکاری کنند. سرنوشت فلسطین و مردم آن برای اغلب کشورهای عرب و مسلمان از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین اتفاق نظر دو کشور و کشورهای عرب در حمایت از مبارزات ملت فلسطین برای دستیابی به استقلال سیاسی می‌تواند مؤلفه دیگری از همکاری دوجانبه باشد. این مهم می‌تواند از طریق ائتلاف کشورهای مسلمان در حمایت از حکومت خودگردان و پروسه تشکیل دولت مستقل

فلسطینی میسر شود. پشتوانه تلاش سیاسی تهران و قاهره برای حمایت از حقوق مردم فلسطین، علاوه بر این که می‌تواند در کاهش کشتار مردم فلسطین و تجاوز به مرزهای دولت خودگردان و کشور لبنان و سوریه مؤثر واقع شود؛ می‌تواند سیاست‌های تجاوزکارانه اسرائیل را با محکومیت جهانی همراه کند.

از سوی دیگر اشغال عراق به‌وسیله آمریکا، فرصتی را برای اسرائیل فراهم کرد تا با فراغ خاطر با سرکوب انتفاضه و تحت فشار قرار دادن گروه‌های مبارز فلسطینی همچون حماس و جهاد اسلامی زمینه خاتمه منازعات را به نفع خود فراهم کند. این اقدامات تاکنون از حمایت‌های کاخ سفید از تل‌آویو برخوردار بوده و با توسل به شعار مبارزه گسترده با پدیده تروریسم و خشونت صورت گرفته است. واشنگتن و تل‌آویو مصمم هستند با بهره‌گیری از فرصت پیش آمده، اوضاع سیاسی حکومت‌های خاورمیانه را مطابق استراتژی خود سامان داده و معضل بزرگ خاورمیانه را که همانا مسأله فلسطین و صلح اعراب و اسرائیل است، حل کنند.

با توجه به تحولات مذکور، ایران و مصر به‌عنوان دو کشور مهم و صاحب تأثیر در تحولات منطقه‌ای و به‌دلیل قرار گرفتن در منطقه خاورمیانه - که به‌خاطر موقعیت ویژه همواره کانون توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است - می‌توانند به‌دلیل اهمیت مسائل خاورمیانه به‌ویژه قضیه فلسطین که برای طرفین و نیز کشورهای اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار است؛ همکاری و تشریک مساعی کنند. به‌نظر می‌رسد دو کشور در زمینه دستیابی فلسطینیان به حقوق اصلی خود و تشکیل دولت مستقل فلسطینی و مقابله با زیاده‌طلبی‌های اسرائیل در منطقه اشتراک نظر داشته باشند.

د. همکاری دوجانبه در حل و فصل منازعات منطقه‌ای

به‌دلیل درهم پیچیدگی مسائل خاورمیانه و خلیج‌فارس که ناشی از زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و بین‌المللی است، همکاری دو کشور می‌تواند برطرف‌کننده بحران‌ها و ایجاد امنیت باشد.^۱ با توجه به این که در سه دهه اخیر جهت‌گیری‌های دو کشور در برخی تحولات منطقه‌ای متفاوت بوده است؛ اما طرفین توانسته‌اند در برخی از موارد علاوه بر داشتن موضع واحد، همکاری‌های سازنده‌ای نیز داشته باشند. از جمله می‌توان به موضع‌گیری‌ها و تلاش‌های دو کشور در قضیه بالکان، اشغال کویت به‌وسیله عراق،

1. Modher Amin, "Do Iran and Egypt Renew Ties?" *Washington Times*, 2004/ 4/10.

سیاست‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل و حل اختلافات ترکیه و سوریه و اشغال افغانستان و عراق توسط امریکا اشاره کرد. در قضیه اشغال عراق، مصر در ابتدا موضع هماهنگ با ایران را دنبال می‌کرد و حمله امریکا به عراق را مردود می‌دانست؛ زیرا به این امر واقف بود که حضور امریکا در عراق مشکلات اقتصادی و سیاسی برای این کشور به دنبال خواهد داشت. سپس قاهره با وعده‌های مالی امریکا، تغییر موضع داد؛ اما مسأله عراق همچنان اهمیت خود را در سیاست خارجی مصر حفظ کرده است. به طوری که «حسنى مبارك» از انتقال قدرت به مردم عراق در جهت استقلال این کشور حمایت نموده است.

نیازهای امنیتی متقابل ایران و مصر در خلیج فارس ایجاب می‌کند که دو کشور به سمت همگرایی امنیت منطقه‌ای گام بردارند؛ زیرا هر دو کشور در خلیج فارس منافع حیاتی دارند. ایران از طریق مصر می‌تواند ضمن بهبود مناسبات و کاهش برخی اختلافات ایران و اعراب زمینه مشارکت و حضور تهران را در مجامع عربی فراهم کند. دو کشور با توجه به اهمیت موضوع می‌توانند در خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس و تأمین امنیت آن به وسیله کشورهای منطقه همکاری کنند.

ه. همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم

طرفین می‌توانند در مبارزه با تروریسم همکاری مشترکی داشته باشند. مهم‌ترین مؤلفه اقدامات تروریستی، دیدگاه افراطی و غیرانسانی مجریان آن است که بدون توجه به ناپسند بودن این گونه حرکت‌ها، برای رسیدن به اهداف خود به هر شیوه‌ای متوسل می‌شوند. به لحاظ گستردگی ابعاد و مصادیق تروریسم اعم از تروریسم غیردولتی (القاعده) و تروریسم دولتی (اسرائیل)، ایران و مصر می‌توانند به تبادل نظر و اقدام مشترک مبادرت نمایند. «احمد ماهر» وزیر امور خارجه مصر در این زمینه معتقد است که مبارزه با تروریسم باید با تمام اشکال آن صورت گیرد و با هر کسی که از قانون سرپیچی کند، مطابق با حقوق بین‌الملل برخورد شود. دیدگاه‌های «حسنى مبارك» نیز در این زمینه قابل توجه است. به عقیده وی «تروریسم پدیده‌ای مخصوص یک کشور، دین یا آیین خاص نیست، بلکه پدیده‌ای بین‌المللی است. تروریسم پدیده شومی است که همه جهانیان را از هر نژاد، زبان، مذهب و با هر سطح پیشرفت و توسعه‌ای تهدید می‌کند.» به نظر مبارک، «علت وجودی تروریسم تا حدود زیادی به مسأله فلسطین برمی‌گردد. بنابراین برای مبارزه با تروریسم باید اقداماتی درباره مسأله فلسطین صورت گیرد. سیاست آدم‌کشی حکومت اسرائیل باید متوقف گردد تا ثبات و امنیت برای همه

ملت‌های منطقه فراهم شود. در صورتی که مسأله فلسطین به شکل کامل حل نشود اوضاع در منطقه بسیار وخیم خواهد بود و زمینه مساعدی برای افزایش و گسترش خشونت و تروریسم فراهم خواهد شد.^۱ ایران نیز معتقد است که زیرپاگذاردن حقوق انسانی و قواعد بین‌المللی اعم از تجاوز، آدم‌کشی، جنایت علیه بشریت، هواپیماربایی، اشغال کشورها و غیره، در زمره اعمال تروریستی محسوب شده و باید به صورت یکسان با همه انواع آن برخورد شود. در عین حال باید از ملت‌هایی که برای رهایی از اشغالگری و رسیدن به حقوق از دست رفته خود تلاش می‌کنند، حمایت کرد.

و. همکاری در زمینه تبیین مفاهیم حقوق بشر و دموکراسی از دیدگاه اسلام

انسان در دین اسلام از شأن و جایگاه رفیعی برخوردار است. به لحاظ تفکر، خلاقیت، خداجویی و کشف حقایق هستی در انسان، خداوند به او کرامت، آزادی و اختیار عطا کرده است. به دلیل ویژگی‌های مزبور انسان قادر است رسالت خود را در زمین محقق سازد. ایران و مصر به عنوان دو کشور که سابقه دیرینه‌ای در پذیرش اسلام دارند، می‌توانند به صورت دوجانبه یا چندجانبه در قالب سازمان کنفرانس اسلامی، مفاهیم مذکور را از دید اسلام تبیین کرده و به ضرورت رعایت حقوق والای انسانی در جوامع خود همت گمارند. هر چند مفاهیمی مانند حقوق بشر، آزادی بیان و مطبوعات، دموکراسی و انتخابات آزاد برای تحول و تکامل جوامع انسانی ضروری است؛ اما ابهام در این زمینه‌ها موجب خواهد شد که از این مفاهیم به عنوان ابزار سیاسی برای تحت فشار قرار دادن کشورهای در حال توسعه استفاده شود. این مهم در مورد هر دو کشور مصداق پیدا می‌کند؛ پس رایزنی‌ها و همکاری‌های فی‌مابین در این زمینه‌ها از فشارهای سیاسی خواهد کاست.

ز. همکاری دوجانبه اقتصادی

ایران و مصر به عنوان دو کشور در حال توسعه، از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالای تجاری، صنعتی و سرمایه‌گذاری برای ارتقای توانایی اقتصادی خود برخوردارند. نیازهای اقتصادی دو کشور می‌تواند مکمل هم باشد.^۲ قابلیت‌های متخصصان ایرانی در زمینه سدسازی، تولید خودرو و

I. مختار حسینی، همان، ص ۲۶۵.

۱. اجلاس سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تاریخ ۸ و ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ در شرم‌الشیخ برگزار شد. مباحث این اجلاس حول محور سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در دو کشور بود. شرق، ۱۳۸۳/۲/۲۲.

ماشین‌آلات کشاورزی، تولیدات پتروشیمی، صنعت نفت و گاز و غیره می‌تواند زمینه توسعه مناسبات فی‌مابین را فراهم کند. متقابلاً مصر نیز می‌تواند بخشی از نیازهای ایران را از جمله در صنعت نساجی تأمین کند. دو کشور همچنین می‌توانند به‌صورت مشترک در صنایع سنگین، توریسم و صنایع تبدیلی سرمایه‌گذاری کنند.^۱ از سوی دیگر تهران و قاهره می‌توانند با تبادل نظر زمینه‌های ورود به بازارهای آسیای مرکزی، قفقاز و شمال آفریقا را فراهم کنند.

۶. ۱۱ سپتامبر، تحولات جدید بین‌المللی و اهداف امریکا در خاورمیانه

حادثه ۱۱ سپتامبر، بعد از جنگ جهانی دوم رویدادی بی‌مانند محسوب می‌شود که موجب وارد آمدن شوکی قوی به ارکان نظام بین‌الملل شد و دامنه آن به قدری گسترده بود که امنیت جامعه جهانی را با خطر مواجه ساخت. از سوی دیگر بنیان‌های اقتصادی - سیاسی کشورها را به شدت متأثر کرد و زمینه تک‌قطبی شدن سیستم بین‌المللی را که از زمان فروپاشی شوروی در حال شکل‌گیری بود، قوت بخشید و پروسه آن را تسهیل و تسریع کرد.^۲ با فروپاشی نظام سیاسی شوروی در سال ۱۹۹۰، انتظار رهبران امریکا این بود که نظام دوقطبی حاکم بر جهان با رهبری تنها قطب باقیمانده یعنی امریکا به راه خود ادامه دهد.^۳ به همین دلیل «جورج بوش» پدر، رئیس‌جمهور وقت امریکا اعلام کرد که نظام تک‌قطبی به رهبری امریکا بر جهان حاکم شده است. پس از آن نیز تئورسین‌هایی مانند هانتینگتون و فوکویاما این موضوع را برای محافل آکادمیک و روشنفکری جهان تئوریزه کردند. البته قبل از این واقعه استراتژی امنیت ملی امریکا برای قرن بیست‌ویکم تهیه شده بود که با ملاحظه این سند می‌توان ایده هژمونیک ایالات متحده بر کل جهان را مشاهده کرد.^۴ در استراتژی جدید امریکا با تأکید بر حفظ نظام تک‌قطبی تصریح شده است که

I. مجتبی فردوسی‌پور، «دومین میزگرد مشترک ایران و مصر»، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، سال ۱۵، شماره ۱۵۱، ۱۳۸۰، ص ۱۲.

۱. فرد هالیدی، «بخش‌هایی از کتاب علل و پیامدهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، همشهری، ۲۶/۱۰/۱۳۸۰.

۲. برای آشنایی با سیاست خارجی امریکا در دوران جنگ سرد و پس از آن مراجعه شود به: ابراهیم متقی، تحولات سیاست خارجی امریکا، مداخله‌گرایی و کشمکش: ۱۹۴۵-۱۹۹۷، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

۳. جلال دهمشکی، بابک فرهنگی و ابوالقاسم راه‌چمنی، استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن ۲۱، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۰.

امریکا هیچ قدرتی را در موازات خود تحمل نخواهد کرد.^۱ به طوری که جرج دبلیو بوش در ژوئن سال ۲۰۰۲ در دانشگاه نظامی «وست پوینت» اعلام کرد، امریکا از قدرت نظامی چالش‌ناپذیری برخوردار است و مصمم به حفظ این قدرت است تا مسابقه‌های تسلیحاتی بی‌ثبات‌کننده اعصار گذشته را بلااستفاده کند و رقابت را در بازرگانی و سایر فعالیت‌های صلح‌آمیز محدود سازد.^۲

۱۱ سپتامبر در واقع بهانه‌ای شد تا امریکا به صورت گسترده وارد خاورمیانه شود. در سال‌های اخیر، حکومت‌های خاورمیانه به دلیل ناکامی و ناتوانی در بهبود وضع نابسامان اقتصادی و سیاسی، مشروعیت خود را از دست داده‌اند و این موضوع، امنیت این حکومت‌ها را با خطر مواجه کرده است. بنابراین هرگونه تغییر اجباری و غیرمترقبه که مغایر با خواسته‌های امریکا باشد به ضرر منافع این کشور تلقی می‌شود. بر این اساس، امریکا مصمم به ایجاد تغییراتی در خاورمیانه در راستای اهداف جهانی خود است. تغییراتی که شکل و دامنه آن به نحوی باشد که از امکان تغییرات اساسی حکومت‌ها به نفع بنیادگرایان اسلامی جلوگیری کند. حکومت‌های عربی خاورمیانه به لحاظ ساختار سنتی و متمرکز در اوضاع مناسبی قرار ندارند، حتی در کشوری مثل عربستان دامنه اعتراضات سیاسی تحویل‌کرده‌های آن به صورت علنی در پایتخت و سایر نقاط آن گسترش پیدا کرده است. امریکا به زعم خود به عنوان بازیگر اصلی از کشورهای این منطقه توقع دارد که قواعد دموکراسی را در داخل مراعات نموده و به شرایط اعلام شده واشنگتن توجه کنند.^۳ اغلب کشورهای خاورمیانه که از رشد گرایش‌های رادیکال در رنج هستند؛ برای منافع امریکا و

I. جهت اطلاع از دیدگاه‌های مشاوران و اعضای دولت بوش درباره امنیت بین‌المللی و شیوه برخورد با طراحان حادثه ۱۱ سپتامبر رجوع شود به:

- مصطفی زهرانی، «تروریسم داخلی و جنگ جدید امریکا»، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره ۱۵۲، سال پانزدهم، ۱۳۸۰.

- مصطفی زهرانی، «از کشورهای یاغی تا محور اهریمنی: مهار تا حمله پیشگیرانه»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، سال شانزدهم، ۱۳۸۱.

- امیرمحمد حاج‌یوسفی، «خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر با تأکید بر مناسبات اعراب و اسرائیل»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳، سال پانزدهم، ۱۳۸۰.

۱. «پسا امپریالیسم: اهداف استراتژیک امریکا و مسأله عراق»، ترجمه مرتضی محیط، همشهری، ۱۳۸۱/۱۲/۲۷.
 ۲. «دغدغه‌های فرونیاشیدن: تحلیل دیرپایی زلزله نظام‌های سیاسی خاورمیانه عربی»، ترجمه بهمن دارالشفایی، همشهری، ۱۳۸۲/۴/۸.

متحدینش باعث خطر شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که حمله امریکا به افغانستان و سپس عراق، روند تغییرات مورد نظر ایالات متحده را تسریع کرده است.

اتفاقات سال‌های اخیر، رژیم‌های منطقه را بر سر دو راهی قرار داد که تنها راه برای بقای حکومتشان تن دادن به دموکراسی است. تصور این رژیم‌ها این است که باید برای بقای‌شان همگام با خواسته‌های امریکا به جلو حرکت کنند تا روابط سنتی آن‌ها حفظ شود.

محافظه‌کاران جدید امریکا که پس از ۱۱ سپتامبر در رأس قدرت قرار گرفتند، عقیده دارند که فقط با وجود اقتصادهای سرمایه‌داری در کل کشورهای منطقه و ساختارهای سیاسی غیراقتدارگرا است که دولت امریکا قادر به تداوم، اشاعه، گسترش و نهادینه کردن قدرت خود در خاورمیانه خواهد بود. توجه به واقعیات سیاسی خاورمیانه از جمله حکومت‌های غیرمنتخب و فقدان دموکراسی، نبود آزادی‌های مدنی، مسأله فلسطین و اهمیت انرژی، امریکا را ترغیب کرد تا عراق را تصرف کند. هدف اصلی امریکا در اصلاح نظام‌های سیاسی خاورمیانه هدایت یکسان اصلاحات سیاسی از طریق دولتمردان فعلی و جایگزینی اشخاص جوان‌تر با گرایش‌های دمکرات است که بتوانند از فروپاشی حکومت‌ها، طغیان ملت‌ها و قدرت یافتن گروه‌های بنیادگرا یا نوظهور جلوگیری کنند و با حضور افراد جدید، امریکا بتواند دموکراسی هدایت شده از بالا را به جامعه تزریق کند. برای اصلاح ساختار سیاسی مورد نظر امریکا، رژیم قاهره و احزاب این کشور از سال ۲۰۰۳ اقداماتی را در راستای اصلاح روندهای داخلی انجام داده‌اند. از جمله می‌توان به اصلاح ماده (۷۶) قانون اساسی در زمینه تعدد نامزدها در انتخابات ریاست‌جمهوری از طریق رأی مستقیم مردم اشاره کرد.^۱

نتیجه‌گیری

رویکرد سیاست خارجی ایران در چند سال اخیر، بر تنش‌زدایی و حل اختلافات با کشورهای عرب به‌ویژه با مصر مبتنی بوده است. حضور گسترده امریکا و اروپا در خلیج فارس، افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز، سیاست خارجی ایران را به سمت رفع موانع احتمالی در روابط با کشورهایمانند عربستان و مصر به‌لحاظ قرار گرفتن در موقعیت مهم استراتژیکی و از سوی دیگر ارتباط تنگاتنگ با امریکا و نیز حضور مقتدرانه این دو کشور در میان اعراب، سوق داده است. مصر و عربستان می‌توانند ذهنیت سوء برخی عرب‌ها را نسبت به ایران برطرف کرده و

I. حسین رویوران، «انتخابات مصر اولین آزمون اصلاحات امریکایی»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۵، ۱۳۸۴/۶/۲۶.

فضای مطمئنی را برای همکاری و مدیریت بر بحران‌های منطقه‌ای به‌وجود آورند. این نیاز هم‌اکنون در خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس که دستخوش انواع مناقشات و چالش‌های سیاسی- نظامی است؛ بیش از گذشته احساس می‌شود. ضرورت همکاری فی‌مابین نیاز مقطع فعلی است و هیچ کشوری نمی‌تواند خود را از آن بی‌نیاز بداند. در اجلاس وزرای خارجه سازمان کنفرانس اسلامی که در خرداد ماه ۱۳۸۲ در تهران برگزار شد؛ آقای خرازی وزیر وقت امور خارجه ایران بر این نکته تأکید کرد که طرفین با توجه به مسئولیت‌هایی که در منطقه دارند باید با یکدیگر همکاری داشته باشند. هر چند وی، برقراری روابط سیاسی را به گذشت زمان مربوط دانست. «احمد ماهر» وزیر امور خارجه مصر نیز ابراز امیدواری کرد که مشکلات موجود در روند ایجاد روابط بین تهران و قاهره از راه مذاکره و گفتگوی مقامات دو کشور مرتفع شده و در آینده نزدیکی شاهد ایجاد روابط مستحکمی باشیم.

اصولاً در روابط بین دولت‌ها باید اختلاف، زمینه‌های اتفاق نظر، چگونگی گسترش و تعمیق حوزه همکاری دولت‌ها را در موارد مشترک به رسمیت شناخت. مسلماً نمی‌توان بر برخی از اختلافات در کوتاه‌مدت و به سهولت فائق آمد؛ اما می‌توان به دیده اغماض به آن‌ها نگرست. زمینه‌هایی را که دو کشور می‌توانند در آن‌ها به‌صورت هماهنگ و مشترک همکاری کنند باید شناسایی کرد و گسترش داد. نباید انتظار داشت که مواضع ایران و مصر پیرامون تمام مسائل منطقه‌ای و جهانی بر هم منطبق باشد. از سوی دیگر دو کشور نباید پیش شرط‌هایی را طرح کنند که فرایند عادی‌سازی روابط را پیچیده و طولانی کند. وجود اختلاف و تضاد منافع در برخی از مسائل منافاتی با همکاری دوجانبه ندارد؛ چه‌بسا دو کشور تا مدت‌ها از برقراری رابطه سیاسی اجتناب می‌کنند، اما در حوزه‌هایی که منافع مشترک دارند با یکدیگر همکاری می‌کنند. مهم این است که زمینه همکاری مهیا باشد و همچنان توسعه یابد. این امر مانع از برخورد و تنش بین طرفین شده و سرانجام روابط دیپلماتیک را به‌دنبال خواهد داشت.

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد متغیر اصلی و دخیل در قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور، پیمان کمپ دیوید سال ۱۹۷۸ است که در نهایت منجر به قطع روابط در سال ۱۳۵۸ شد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری نگرش جدیدی از ماهیت نظام بین‌الملل و مسائل سیاسی خاورمیانه و استراتژی ایران در مبارزه با امریکا به‌عنوان کشور سلطه‌گر، و در اولویت قرار گرفتن ایدئولوژی اسلامی در روابط خارجی باعث تحول روابط ایران با برخی از کشورها از جمله مصر شد. از سال ۱۹۸۸ با خاتمه جنگ ایران و عراق، فروپاشی شوروی و

به تبع آن تغییر ساختار قدرت در سیستم بین‌الملل و آزادسازی کویت از اشغال عراق، دور جدیدی از روابط ایران و مصر آغاز شد و مناسبات از حالت رویارویی و دشمنی به سمت انعطاف و طرح مسائل انتقادی مسالمت‌آمیز و همکاری در برخی زمینه‌ها سوق داده شد. در این مدت همکاری فی‌مابین در زمینه‌های فرهنگی و اتخاذ مواضع هماهنگ در برخی مسائل سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله مسأله بالکان و تجاوز عراق به کویت ادامه یافت. در سال‌های پایانی قرن بیستم همکاری مشترک در زمینه مسائل منطقه‌ای به جریان افتاد و طرفین به اهمیت و ضرورت کاهش تنش‌ها و خصومت‌ها برای تأمین منافع ملی خود پی‌بردند. مواردی از جمله: تعاملات سیاسی و فرهنگی، سوابق تاریخی و فرهنگی مشترک و موقعیت و جایگاه مصر در حوزه آفریقا و خاورمیانه و توجه به وجود منافع و تهدید مشترک از جمله حضور اسرائیل در آسیای مرکزی، قفقاز، حمایت از مردم فلسطین برای تشکیل دولت فلسطینی و مقابله با تهدیدات نظامی اسرائیل، باعث شد دو کشور به این نتیجه برسند که می‌توانند همکاری نزدیکی با یکدیگر داشته باشند. ایران با توجه به موارد مذکور و به دلایل دیگری از عادی‌سازی روابط استقبال کرده است، این دلایل عبارتند از:

۱. تغییر ذهنیت منفی اعراب نسبت به ایران از طریق مصر: در مورد اهمیت و نفوذ مصر در جهان عرب نقل شده است که «ملک عبدالعزیز» پیش از مرگ به فرزندان خود گفته بود که سلامتی اعراب را می‌توان از روی سلامتی مصر تشخیص داد. اگر مصر مریض شود تمام جهان عرب مریض خواهد شد.

۲. مواضع مصر در مورد مسائل گوناگون، تعیین‌کننده خط‌مشی اصلی اتحادیه عرب محسوب می‌شود.

۳. با توجه به این که مقرر اتحادیه عرب در قاهره و دبیر کل آن نیز مصری است؛ مصر می‌تواند در تصحیح مواضع اعراب نسبت به ایران تأثیر مثبتی بر جای گذارد. اخیراً درخواست ایران از اتحادیه مزبور برای عضویت ناظر در آن، با واکنش منفی امارات مواجه شده بود؛ اما «عمرو موسی» دبیر کل اتحادیه عرب با نظر امارات مخالفت کرد.

۴. عدم پرداختن به نقش منطقه‌ای از سوی دو کشور، آن‌ها را در معرض حضور نیروهای بیگانه قراردادده و آسیب‌پذیری آن‌ها را در مواجهه با بحران‌های منطقه‌ای بیش‌تر خواهد کرد.

اعلام سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران، گسترش رابطه با کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای خاورمیانه، گفتگوی تمدن‌ها و در نهایت ائتلاف برای صلح، تا حدودی فاصله

میان ایران و دولت‌های جهان از جمله مصر را کاهش و دیدارها و مذاکرات مقامات دو کشور را افزایش داده است. این گفتگوها تاکنون در اعتمادسازی طرفین به‌عنوان مهم‌ترین اصل برای حل مسائل فی‌مابین نقش مؤثری را ایفا کرده است. در اجلاس سران جامعه اطلاعاتی که در روزهای ۱۹ و ۲۰ آذر سال ۱۳۸۲ در ژنو برگزار شد رؤسای جمهور ایران و مصر در حاشیه اجلاس با یکدیگر ملاقات کردند و بر سر مسائلی چون بنیادگرایی اسلامی، ترتیبات امنیتی خلیج فارس، مسأله جزایر سه‌گانه ایرانی، کمپ دیوید و ... با یکدیگر به گفتگو پرداختند. در این دیدار «حسنی مبارک» موافقت اولیه خود را برای دیدار از ایران در ۳۰ بهمن سال ۱۳۸۲ برای شرکت در نشست کنفرانس کشورهای اسلامی اعلام کرده بود. اما در روزهای نزدیک به نشست، دولت مصر اعلام کرد که وزیر امور خارجه خود را به ایران می‌فرستد. وی از «احمد ماهر» وزیر امور خارجه خود خواسته بود تا در بررسی موانعی که منجر به عدم برقراری روابط دیپلماتیک می‌شود - که یکی از آن‌ها نام یکی از خیابان‌های تهران به نام «خالد اسلامبولی» است - اهتمام کند.

در تحلیل نهایی، روابط ایران و مصر باید از دو زاویه مورد مذاقه قرار گیرد:
الف. برقراری روابط پایدار و استراتژیک که در حال حاضر امکان آن وجود ندارد.
ب. برقراری روابط متعارف و غیراستراتژیک: با توجه به اختلافات دو کشور در برخی از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌توان همکاری‌ها را در زمینه‌های سیاسی - اقتصادی که اشتراک منافع وجود دارد، آغاز یا تقویت کرد. به هر حال باید در نظر داشت که برخی از متغیرهای مثبت و منفی در روابط دو کشور تاکنون دچار تغییراتی شده یا اساساً هویت خود را از دست داده‌اند و مؤلفه‌های دیگری نمایان شده‌اند که می‌توان به برخی از موارد اشاره کرد:
۱. تغییر رویکرد مصری‌ها نسبت به پیمان کمپ دیوید به لحاظ وجود برخی از واقعیت‌های عینی و ملموس،^۱

۲. همکاری‌های نظامی اسرائیل - ترکیه، ترکیه - آذربایجان و امریکا - آذربایجان،

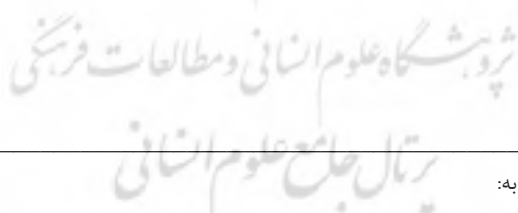
۳. حضور نظامی - اقتصادی و اطلاعاتی اسرائیل در آسیای مرکزی و قفقاز،

۴. امکان حصول به توافق در زمینه همکاری دوجانبه در پیمان‌های دفاعی خلیج فارس،

۵. وجود دیدگاه مشترک ایران و مصر در حمایت از استقلال مردم فلسطین،

I. احمد ماهر، وزیر امور خارجه مصر در مصاحبه‌ای اعلام کرد که پیمان کمپ دیوید به گذشته پیوسته است، شرق، ۱۳۸۲/۱۰/۱۶.

۶. حل و فصل برخی از مشکلات و سوء تفاهم‌های موجود با اعراب از طریق نفوذ مصر،
۷. وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری مشترک در طرح‌های اقتصادی و همچنین توسعه مناسبات تجاری،^۱
۸. امکان همکاری دو کشور در مقابله با اقدامات تروریستی در خاورمیانه،
۹. امکان همکاری دو کشور در مقابله با حضور و تهدیدات اسرائیل در خلیج فارس، آسیای میانه، قفقاز و شمال آفریقا.
- سابقه همکاری‌های فی‌مابین نشان‌دهنده این است که مصر در زمانی بهترین شریک ایران بوده است. بنابراین باید توجه داشت که «با همه ملاحظات، سیاست عربی ما، بدون لحاظ کردن مصر و نیز سیاست مصری ما، بدون در نظر گرفتن اعراب نمی‌تواند تنظیم شود».^۲
- بنابراین به نظر می‌رسد برای دستیابی به شرایط مطلوب و گشایش رابطه دیپلماتیک، علاوه بر عزم قاطع مسئولان دو کشور، رویکرد اعتمادسازی، ممانعت از دامن زدن به اختلاف نظرها از سوی رسانه‌ها، تلطیف فضای سیاسی از طریق استمرار مذاکرات بین دولتمردان دو کشور، گسترش همکاری‌های مجالس دو کشور به‌عنوان منتخبان ملت‌های ایران و مصر از طریق تشکیل گروه دوستی پارلمانی و ایجاد فضای تفاهم برای همکاری نزدیک در موضوعات مورد علاقه فی‌مابین منطقه‌ای و جهانی باید از سوی طرفین با جدیت پیگیری شود.



I. برای مطالعه رجوع شود به:

- دومین میزگرد اقتصادی ایران و مصر، «دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها»، ۱۳۸۰.
- سومین میزگرد اقتصادی ایران و مصر، «دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها»، ۱۳۸۱.
1. محمد مسجدجامعی، «ایران و مصر: واقعیت‌ها و آرمان»، مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۶۴.

منابع و مأخذ

۱. ازغندی، علیرضا. «ارتش و سیاست»، تهران، قومس، ۱۳۷۴.
۲. افضل‌ی، رسول. «موانع شکل‌گیری جامعه مدنی در خاورمیانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۳. حسینی، مختار. «برآورد استراتژیک مصر»، جلد اول، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۱.
۴. سیمبر، رضا. «معاهده کمپ دیوید و پیامدهای ناشی از آن در خاورمیانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۶۸.
۵. دهمشکی، جلال و دیگران. «استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن ۲۱»، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۰.
۶. رنجبران، علی. «نقش آب در کشمکش‌های سیاسی خاورمیانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۶.
۷. قوام، عبدالعلی. «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
۸. قربانی، ارسلان. «روابط مصر و شوروی از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۱»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۶۸.
۹. کدیور، جمیله. «مصر از زاویه‌ای دیگر»، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳.
۱۰. متقی، ابراهیم. «تحولات سیاست خارجی امریکا»، مداخله‌گرایی و کشمکش: ۱۹۴۵-۱۹۹۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۱. نقیب‌زاده، احمد. «تصحیح پاره‌ای از سیاست خارجی ایران در دوره ریاست جمهوری خاتمی»، مهدی ذاکریان، سیاست خارجی از منظر صاحب‌نظران، تهران، همشهری، ۱۳۸۰.
۱۲. «قانون اساسی جمهوری عربی مصر»، ترجمه پروین جلالی‌پور، تهران، ریاست جمهوری، دفتر توافق‌های بین‌المللی، ۱۳۸۱.
۱۳. «سالنامه آماری کشور»، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰.

۱۴. آرمیتاژ، ریچارد. «روابط مصر و امریکا»، ترجمه باقری، صبح امروز، ۱۳۷۸/۴/۲۸.
۱۵. ازغندی، علیرضا. «پدیده جهانی شدن و تنش‌زدایی»، مهدی ذاکریان، سیاست خارجی از منظر صاحب‌نظران، تهران، همشهری، ۱۳۸۰.
۱۶. امیراحمدی، بهرام. «چشم‌انداز ژئوپلیتیک شمال آفریقا»، مطالعات آفریقا، سال اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۴.
۱۷. احمدی، حمید. «نظام بین‌المللی معاصر و فراز و نشیب‌های روابط ایران و مصر»، مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
۱۸. ابوطالب، حسن. «نقش مصر در پی‌ریزی درک مشترک با ایران»، مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
۱۹. برزگر، کیهان. «خاتمیسم: الگوی جدید مناسبات بین‌المللی»، مهدی ذاکریان، سیاست خارجی از منظر صاحب‌نظران، تهران، همشهری، ۱۳۸۰.
۲۰. بیات، حمید. «بررسی روابط ایران و مصر»، مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۷۹.
۲۱. توحید، محمدعلی. «مصر زیر سایه سوسیالیسم عربی»، همشهری، ۱۳۸۱/۶/۱۲.
۲۲. جعفری‌ولدانی، اصغر. «اسرائیل و حوزه دریای سرخ»، مطالعات خاورمیانه، سال پنجم، شماره ۴، ۱۳۷۷.
۲۳. جعفری‌ولدانی، اصغر. «چارچوبی برای گسترش روابط سیاسی ایران و مصر»، مطالعات آفریقا، سال ۷، شماره ۶، ۱۳۸۱.
۲۴. حسینی، جمال. «دورنمای همکاری راهبردی ایران و مصر»، مطالعات آفریقا، سال ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
۲۵. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. «خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر با تأکید بر مناسبات اعراب و اسرائیل»، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳۸۰.
۲۶. دهقانی، جلال و غیره. «اهمیت روابط فرهنگی ایران و مصر در عصر گفتگوی تمدن‌ها»، مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۷۹.

۲۷. دهقان، محمود. «پیامدهای شوک ۱۱ سپتامبر بر نظام بین‌المللی»، اطلاعات، ۱۳۸۰/۷/۱۲.
۲۸. دیباج، موسی. «بنیادهای فلسفی ضد دولت و پدیده سپتامبر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۱.
۲۹. دهشیار، حسین. «خاورمیانه جدید: تحولات در نقشه سیاسی منطقه»، همشهری، ۱۳۸۲/۳/۱۸.
۳۰. «پسامپریالیسم: اهداف استراتژیک امریکا در مسأله عراق»، ترجمه مرتضی محیط، همشهری، ۱۳۸۱/۱۲/۲۷.
۳۱. زهرانی، مصطفی. «تروریسم داخلی و جنگ جدید امریکا»، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره ۱۵۲، ۱۳۸۰.
۳۲. زهرانی، مصطفی. «از کشورهای یاغی تا محور اهریمنی: مهار تا حمله پیشگیرانه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۶، ۱۳۸۱.
۳۳. شهیدی، جعفر. «اشک‌هایی بر ساحل نیل»، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳۷۱.
۳۴. شکوهی، عباس. «بیست سال پس از امضای قرارداد کمپ دیوید»، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره ۱۲۸، ۱۳۷۸.
۳۵. بی‌زوزا، لئوناردو. «بررسی وضعیت کمک‌های امریکا پس از ۱۱ سپتامبر»، ترجمه ابراهیم رستمی‌فر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۱.
۳۶. بی‌زوزا، لئوناردو. «منافع حیاتی و کسری بودجه: بررسی وضعیت کمک‌های خارجی امریکا پس از ۱۱ سپتامبر»، ترجمه ابراهیم رستمی‌فر، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۱.
۳۷. عسگری، محمد. «اجبار به دموکراسی»، شرق، ۱۳۸۲/۷/۱۳.
۳۸. عبدالرحیم، میثم. «پایان تیرگی، نگاهی به فراز و نشیب‌های روابط دیپلماتیک تهران و قاهره»، اطلاعات، ۱۳۸۲/۴/۷.
۳۹. عبدالؤمن، محمدالسعيد. «راه‌های گسترش همکاری بین مصر و ایران»، مطالعات آفریقا، سال اول، شماره ۳، ۱۳۷۴.
۴۰. فردوسی‌پور، مجتبی. «دومین میزگرد مشترک ایران و مصر، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، سال ۱۵،

شماره ۱۵۱، ۱۳۸۰.

۴۱. فلاح‌ت پیشه، حشمت‌آ... «اهمیت مصر در بین اعراب»، رسالت، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.
۴۲. قلی‌پور، بهنام. «نگاهی به جنبش‌های سیاسی و احزاب مصر»، ابرار، ۱۳۷۹/۷/۲۵.
۴۳. قاسم‌زاده، قاسم. «سیاست تنش‌زدایی و تجدید روابط سیاسی ایران و مصر»، مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۷۹.
۴۴. قدیرنصری. «حادثه ۱۱ سپتامبر: نظریه‌ها و تفاسیر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۱.
۴۵. موسوی‌خراسانی، حسین. «تمدن و فرهنگ ایرانیان در شرق آفریقا»، مطالعات آفریقا، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۷۵.
۴۶. مسجدجامعی، محمد. «ایران و مصر: واقعیت‌ها و آرمان‌ها»، مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۷۹.
۴۷. نافعه، حسن. «نگاهی به تحولات و چشم‌انداز روابط مصر و ایران»، ترجمه رودباری، مطالعات آفریقا، سال اول، شماره ۳، ۱۳۷۴.
۴۸. نافی، ابراهیم. «مصر، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی»، ترجمه آذری‌نیا، صبح امروز، ۱۳۷۹/۱/۲۰.
۴۹. هالیدی، فرد. بخش‌هایی از کتاب علل و پیامدهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، همشهری، ۱۳۸۰/۱۰/۲۶.
۵۰. «نقش ال‌زهر در تحولات سیاسی مصر»، سلام، ۱۳۷۷/۱۰/۱۴.
۵۱. «اخوان المسلمین، سمبل گفتمان دینی ایدئولوژیک - رادیکال»، صدای عدالت، ۱۳۸۰/۷/۲۲.
۵۲. «تحول بنیادگرایی اسلامی مصر: جایگزینی منطق ترور با منطق کلمه»، ترجمه محمد عسگری، خرداد، ۱۳۷۷.
۵۳. «صف‌بندی جدید در پارلمان مصر»، کیهان، ۱۳۷۹/۹/۲۰.
۵۴. «برنامه مشترک احزاب سیاسی مخالف»، ترجمه حمید احمدی، مطالعات خاورمیانه، سال پنجم، شماره ۴، ۱۳۷۷.
۵۵. «دموکراسی در مصر»، ترجمه رضایی، ترجمان سیاسی، شماره ۱۵۸، ۱۳۷۷.

۵۶. «آزادی بیان در مصر، کالای یافت نشدنی»، ترجمان سیاسی، شماره ۱۸۶، ۱۳۷۸.
۵۷. «چشم‌انداز جامعه مدنی در مصر (۱۹۷۵-۱۹۹۵)»، اطلاعات، ۱۳۷۹/۱۱/۶.
۵۸. «چشم‌اندازهای اقتصادی نوظهور»، اقتصاد ایران، سال پنجم، شماره ۵۴، ۱۳۸۲.
۵۹. «کاهش بدهی‌های خارجی مصر»، ترجمان اقتصادی، ۱۳۸۰/۷/۴.
۶۰. «مصر: سال ۲۰۰۰ سال افزایش بهای دلار و اصلاح اقتصادی»، ترجمان اقتصادی، ۱۳۸۰.
۶۱. «گسترش همکاری‌های اقتصادی مصر و ایران»، ترجمه ادیب، ترجمان اقتصادی، ۱۳۷۹/۱/۶.
۶۲. متن اظهار نظرهای بوش و مبارک در کنفرانس خبری کمپ دیوید، همشهری، ۱۳۸۱/۳/۲۲.
۶۳. «ابراهیم تیره در مناسبات مصر و آمریکا»، کیهان، ۱۳۸۱/۶/۵.
۶۴. «تأملی در باب روابط نظامی، امنیتی، استراتژیک و اقتصادی مصر و ایالات متحده»، روزنامه بهار، ۱۳۷۹/۲/۲۱.
۶۵. «مصر و کمک‌های آمریکا»، ترجمان اقتصادی، ۱۳۷۸/۲/۲۰.
۶۶. «اختلافات استراتژیک مصر و اسرائیل»، ترجمه جعفری، اطلاعات، ۱۳۷۹/۴/۱۵.
۶۷. «مصر پس از کمپ دیوید»، مردم سالاری، ۱۳۸۱/۷/۴.
۶۸. «تلاش گسترده اسرائیل برای نفوذ در اقتصاد مصر»، کار و کارگر، ۱۳۷۷/۲/۱.
۶۹. «اجلاس مخالفان عمرالبشیر در قاهره»، همشهری، ۱۳۸۲/۳/۶.
۷۰. «بررسی ریشه‌های گرایش به صهیونیسم در نظام حکومتی مصر»، جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۱۱/۸.
۷۱. «ضیافت اسلامی»، همشهری، ۱۳۸۲/۷/۱۳.
۷۲. وزیر خارجه مصر: در قبال حمله آمریکا به عراق مخالفیم، آفتاب یزد، ۱۳۸۱/۶/۲۷.
۷۳. «دغدغه فروپاشیدن: تحلیل دیرپایی تزلزل نظام‌های سیاسی خاورمیانه عربی»، ترجمه بهمن دارالشفایی، همشهری، ۱۳۸۲/۴/۸.
۷۴. «مصر نقطه آغاز اصلاحات در صف اعراب»، ایران، ۱۳۸۲/۳/۴.
۷۵. «جمال مبارک و رویای مبارزه با فساد در مصر»، اطلاعات، ۱۳۸۱/۱/۲.

۷۶. جانشین مبارک کیست؟ همبستگی، ۱۳۷۹/۸/۱۶.
۷۷. «دیپلماسی مصر در بحران عراق»، ترجمه سمیرا عربشاهی، ایران، ۱۳۸۱/۶/۳۱.
۷۸. نقشه راه: متن طرح صلح خاورمیانه، همشهری، ۱۳۸۲/۲/۲۳.
۷۹. «تحوالات مصر پس از ۱۱ سپتامبر»، همشهری، ۱۳۸۱/۱۰/۲۸.
۸۰. سومین میزگرد اقتصادی ایران در مصر، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، ۱۳۸۱.
۸۱. دومین میزگرد اقتصادی ایران در مصر، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، ۱۳۸۰.
۸۲. احمدزاده، داود، «نقش مصر در جنگ ایران و عراق»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال دهم، شماره ۳۵، ۱۳۸۲.
۸۳. انتخابات ریاست جمهوری مصر، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۴/۶/۱۷.
۸۴. سلطانی، علیرضا. «اصلاحات اقتصادی در مصر»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۵، ۱۳۸۴/۶/۲۶.
85. Saadeddin, Ibrahim. *Egypt Islam and democracy*, The American University in Cairo Press, 2002.
86. "Political and Economic Developments in Egypt", www.cfr.org.
87. WWW.Eia.Doe.Gov/Egypt
88. *Water Conflict in the River*, www.Iumes.Iu.se.
89. *Environmental Conflict: Will River Nile Spark off Water War in Africa?* WWW.Vamos.Fi/briefings/Environmental
90. *Nile Basin Countries Begin to Pool Resource*, WWW.Acidi-Cida/ac.ca.
91. *Preventing Conflict, moving to Wards Cooperation in the Nile Basin*, WWW.GefWeb.org
92. <http://www.noghteh.com/2004/4/10>
93. Modher, Amin. "Do Iran and Egypt Renewties?" *Washington Times*, 2004/4/10.
94. Hiel, Hetsy. "U.S has Critical Moment to Better Egyptian Relation", <http://www.pittsburghlive.com>
95. Widdershoven, Cyvil. "American Viewson Egypt Promising Problematic?", <http://www.mideastinfo.com>
96. Sid-Ahmed, Mohamed. "Whither Egyptian-American Relations?", <http://www.weekly.ahram.org>